

Future Study of Political Stability in Iraq until the Beginning of 2030

Seyed Mohammad Mohseni
Ahmad Ashrafi
Ali Mohmmadzadeh

Received Date: 7 December 2021
Reception Date: 27 August 2021

Abstract:

Iraq has been one of the most challenging countries in Southwest Asia (Middle East) since World War II. Undoubtedly, one of the main reasons for these challenges is the important and decisive role of the Iraqi political situation in the geopolitical space of the region. In the current developments in this region, as in the past, Iraq has a key and decisive role, and this role has led to the clash of actions and interests of various regional and supranational powers at this point. The main purpose of this article is to study the future of political stability in Iraq by emphasizing the political and security situation in Iraq and its sub-objectives. It introduced Iraq and the feasibility of the disintegration of Iraq. By designing possible scenarios for the disintegration or nondisintegration of Iraq in the next ten years, the future of this country is predicted as follows: 1) Scenario of disintegration of Iraq 2) Scenario of civil war in Iraq 3) Scenario of fair and democratic distribution of power.

Keywords: Iraq, Futures Studies, Political Stability, Scenarios of Iraq Disintegration, Division of Power, Regional Actors

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.318648.2770>**آینده پژوهی ثبات سیاسی در کشور عراق تا ابتدای سال ۲۰۳۰**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

سیدمحمد محسنی^۱احمد اشرفی^۲علی محمدزاده^۳**چکیده**

در دو دهه گذشته عراق بحرانهای سیاسی متعددی را از سرگذرانده است که بی ثبات سیاسی را سبب شده اند. هدف این تحقیق جستجوی امکان یا عدم امکان نیل به ثبات سیاسی در دهه آینده عراق است. براین اساس این سوال مطرح است که: بر مبنای عوامل تاثیرگذار بر ثبات و بی ثباتی سیاسی چه سناریوهایی در خصوص آینده سیاسی عراق تا سال ۲۰۳۰ قابل تصور است؟. برای یافتن پاسخ سوال تحقیق رویکرد آینده پژوهی و بویژه شیوه سناریو نویسی که یکی از روش های زیر مجموعه آینده پژوهی است مورد توجه قرار گرفت. روش جمع آوری داده ها بر اساس روش دلفی و با مراجعه به نظرات کارشناسان امور عراق انجام شده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که چهار سناریوی: تجزیه عراق، نظام فدرالی، ثبات سیاسی با نظام دموکراسی اجماعی و بلاخره سناریوی استمرار کم شدت بی ثباتی سیاسی در دهه آینده عراق از سوی نخبگان شرکت کننده در پنل مشخص گردید. در شرایط پساداعش دو سناریوی تجزیه و فدرالیسم بواسطه ملاحظات امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی، مخالفان جدی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، شاهرود mohseni3356@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

a.ashrafi1343@yahoo.com

۳. دکتری علوم سیاسی و مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، شاهرود a.mohammadzadeh75@gmail.com

هم در بین جریان‌های سیاسی عراق و هم نزد کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد و این دو سناریو را در راستای منافع خود ارزیابی نمی‌کنند. سناریوی ثبات سیاسی با نظام سیاسی دموکراسی اجماعی در توزیع عادلانه قدرت و ثروت در جامعه قومی مذهبی ناهمگون عراق و تامین منافع سیاسی جریان‌های سیاسی عراق، نزد پیشرانهای داخلی و بازیگران خارجی مؤثر بر تحولات عراق از مطلوبیت بیشتری برخوردار است اما الزامات آن در دهه آینده بعید است که فراهم شود.

نتیجه اینکه سناریوی استمرار کم شدت بی‌ثباتی در آینده عراق نسبت به سایر سناریوها محتمل‌تر است. از نظر نخبگان شرکت‌کننده در پنل، عدم قطعیت در مورد شاخص‌های ثبات سیاسی، سیطره فرهنگ قومی- عشیره‌ای، مداخله قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و... تحقق این سناریو محتمل می‌سازد و افزایش نسبی اقتدار دولت در کنترل شبه نظامیان و سیاست خارجی متوازن و مستقل دولت عراق نسبت به قدرتهای خارجی و...، شدت بی‌ثباتی را کاهش خواهد داد.

کلمات کلیدی: آینده پژوهی، ثبات سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی، کشور عراق

۱- بیان مسله

کشور عراق با ترکیب جمعیتی قومی- مذهبی در زمره کشورهای با ساختار اجتماعی ناهمگون قرار دارد. بدیهی است در چنین ساختاری گروه‌ها و جریانات سیاسی مختلف هر کدام نظریات متفاوتی در بحث حکومت دارند. آرمان کردها در نهایت به یک کشور مستقل کرد ختم می‌شود، اهل سنت سودای گذشته درخشان خود را که در اختیار داشتن تمامی ارکان سیاسی عراق بود را در سر می‌پرورانند و شیعیان هم به عنوان گروه اکثریت و محروم از نقش آفرینی در گذشته عراق بدنبال بازیابی اقتدار سیاسی تاثیرگذار خود در روند سیاسی عراق هستند.

در دوره پس از صدام کشور عراق در سال‌های پس از ۲۰۰۳ با گستره وسیعی از چالش و بحران روبرو شد. حضور همه‌جانبه آمریکا و دخالت در ساختار سیاسی و تحولات عراق و همچنین تحریک و حمایت از اکراد عراق برای خودمختاری و جدایی طلبی و از طرفی حمایت آشکار از گروه تروریستی داعش خود معضل بزرگی در این کشور بود. مخالفت برخی کشورهای مسلمان سنی مذهب خصوصاً عربستان سعودی با به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، نقش آفرینی ترکیه در عراق بواسطه همجواری با اقلیم کردستان، اقلیت ترکمن ساکن در کرکوک و منابع نفتی شمال عراق، و بلاخره جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن مرز طولانی با عراق، ارتباطات سیاسی نزدیک با جریانات سیاسی شیعه، وجود عتبات عالیات و.. معمای سیاسی عراق پسا صدام را پیچیده تر ساخت. اشغال بخشی از خاک عراق توسط داعش نقش آفرینی این کشورها در راستای منافع خود را در عراق به نمایش گذاشت. مداخله منفی و مخرب برخی کشورهای منطقه در جهت ایجاد بی‌ثباتی در عراق پیدایش گروه‌های شورشی و مسلح و تروریستی، مشکلات پیاپی و بروکراتیک ناشی از نظام پارلمانی توافقی و مبتنی بر سهمیه بندی قومی و مذهبی، گرایش‌های واگرایانه اکراد در قبال دولت مرکزی و نوستالژی بخشی از سنی‌های عراق برای بازگشت به دوره بعث از مهمترین عواملی بودند که به بحران‌های متعددی در این کشور منجر شدند. با ظهور القاعده و داعش بر دامنه و گستره بی‌ثباتی‌ها در عراق افزوده شد. تحولات جدید عراق و پیدایش داعش، و سپس برخی از مشکلات و اعتراض‌های مردمی باعث ایجاد ابهامات بیشتر در مورد آینده این کشور شده است.

با فضایی که از تحولات داخلی عراق و نقش کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در روند سیاسی این کشور ترسیم شد، کشور عراق در دو دهه گذشته تحولات عظیمی را پشت سر گذاشته است و هر لحظه با اتفاقات و مشکلات عدیده و فراوانی روبرو بوده است. با توجه به این تحولات آینده عراق و مساله لاینحل ثبات سیاسی در این کشور مساله و محل سوال است.

اینکه مسیر آینده این کشور در پسا داعش چگونه رقم خواهد خورد دغدغه این مقاله است که با روش آینده پژوهی مبتنی بر سناریو نویسی و مراجعه به نظرات نخبگان و کارشناسان امور عراق پی گرفته می شود. بنابراین از دل مساله ای که بیان شد، این سوال مطرح می شود که: براساس عوامل تاثیرگذار بر ثبات و بی ثباتی سیاسی و دیدگاه نخبگان و کارشناسان امور عراق، چه سناریوهایی در خصوص آینده سیاسی کشور عراق قابل تصور است؟

۲- مبانی نظری: تحلیل آینده پژوهی

آینده پژوهی همیشه صحبت از آینده ها می کند. کشف یا ابداع، امتحان، ارزیابی و پیشنهاد آینده های ممکن، محتمل و مرجح به منظور شکل گیری آینده مطلوب. آینده پژوهان می خواهند بدانند چه آینده هایی می تواند رخ دهد (ممکن)، چه آینده هایی با احتمال بیشتری شکل می گیرد (محتمل)، و چه آینده هایی باید برپا شود (مرجح). (منتظران، قربانی، ۱۳۹۶: ۷۵)

وندل بل از محققان متاخر حوزه آینده پژوهی معتقد است: آینده پژوهی حوزه ای پژوهشی و تازه است که تفکری نظام یافته و صریح در مورد آینده های بدیل دارد. این حوزه پژوهشی در حال رشد بر پایه مفروضات و دورنماهایی ویژه استوار است و ارزش ها، روشها و نظریه های ویژه ای را به کار می بندد. برداشتن پرده های ابهام از آینده، آشنا ساختن بیش از پیش ما با گزینه های محتمل آتی و افزایش میزان استیلای انسان بر آینده از اهداف این حوزه پژوهشی به شمار می رود (وندل، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۹). به این ترتیب می توان سه هدف برای آینده پژوهی نام برد: تصور حوادث ممکن، ارزیابی احتمالات و یافتن حوادث محتمل، تصمیم گیری در جهت امور برتری داده شده. (مطهرنیا، ۱۳۹۴: ۴-۵). برای شناختن آینده روش های گوناگونی همچون: سناریو نویسی، مدل سازی، پیش بینی، شبیه سازی، تحلیل روند، روش دلفی، تحلیل ریخت شناسی، و بلاخره منطق موقعیت وجود دارد. در میان این روش روش سناریونویسی دارای جایگاه ویژه ای است که در مطالعه آینده ها و فرایند مدیریت راهبردی اهمیت خاصی دارد.

به نظر وندل سناریو یعنی داستانی در باره آینده که معمولا شامل داستانهایی در باره گذشته و حال نیز می شود. سناریو اغلب داستانی است در باره گزینه های بدیل ممکن برای آینده، گزینه هایی که احتمال وقوع آن ها در شرایط گوناگون متفاوت خواهد بود. افزون بر این سناریوها معمولا به اهداف و ارزشها می پردازند، آینده های بدیل در قالب سناریو بررسی میشوند تا مطلوب یا نامطلوب بودن آنها آشکار شود. (وندل، ۱۳۹۲: ۵۴۹) در حال حاضر روشهای گوناگونی برای تدوین سناریو وجود دارد، اما می توان ادعا کرد که رویکرد پیتتر

شوارتز در این باره، علاوه بر داشتن نوعی جامعیت، مشتمل بر جوهره عام همه انواع سناریوپردازی بوده و مقبولیتی عام یافته است (جاودانی مقدم، برجویی، ۱۳۹۴: ۱۰). سناریو نویسی گاه بر مبنای روش دلفی تنظیم می شود. در فرایند انجام تحقیق دلفی این مراحل رعایت می شود: ۱- تعیین موضوعی که قرار است آینده های ممکن، محتمل و مرجح (مطلوب) آن بررسی شود ۲- تهیه پرسشنامه جهت گرد آوردی داده ها ۳- گزینش کسانی که قرار است دیدگاههای آنها بررسی شود (خبرگان و متخصصان) ۴- سنجش مقدماتی آرای پاسخ دهندگان (سنجش پرسشنامه اول) ۵- خلاصه سازی و و سازماندهی مقدماتی داده های برآمده از مرحله اول ۶- در اختیار گذاشتن دیدگاهها یافته های مقدماتی به پاسخ دهندگان (جهت دریافت بازخورد آنها- مرحله دوم) ۷- سنجش دوباره دیدگاهها پس از آگاهی آنها از نتایج مرحله اول ۸- تحلیل و تفسیر داده های مراحل اول و دوم. (بل، ۱۳۹۲: ۴۶۶) چنانچه از نظر محقق داده های جمع آوری در دو مرحله کفایت لازم را نداشته باشد، می توان یک یا دو دور دیگر پرسشنامه ها را تکرار کرد. محتوای مطالعات دلفی معمولاً در باره مسائلی است که دانش کافی در باره آنها وجود ندارد. این تحقیق روش سناریو نگاری شوارتز را بر مبنای داده های بدست آمده از اجرای مراحل روش دلفی با مراجعه به کارشناسان و خبرگان امور عراق به کار گرفته است.

۳- روش تحقیق

در سناریو نگاری، شوارتز گامهای مختلفی برای طراحی سناریو مطرح می کند: نخستین گام، شناسایی موضوع یا مسئله اصلی تحقیق است. شناسایی عوامل و عناصر کلیدی و همچنین پیش رانها گامهای بعدی است. در مرحله بعد عوامل و پیش رانهای اصلی به عنوان عدم قطعیت های کلیدی یا بحرانی شناسایی میشوند که در نهایت بعد از انتخاب منطق سناریوها، سناریوهای بدیل طراحی می شوند. در گام نهایی سناریوها پربار شده و مضامین و عناصر آنها مشخص می شود (شوارتز، ۱۳۸۶: ۲۱۳-۲۲۷) در این مقاله گامهای هشتگانه شوارتز شامل: مشخص کردن موضوع اصلی سناریو، مشخص کردن فاکتورهای کلیدی، مشخص کردن نیروهای پیشران، مشخص کردن میزان عدم قطعیت فاکتورهای کلیدی، شناسایی و تعیین منطق سناریو، بررسی و اولویت بندی سناریوهای محتمل، ممکن و مطلوب بر مبنای روش دلفی و نظرخواهی دو مرحله ای از خبرگان و کارشناسان امورعراق انجام شده است. در مرحله اول ۲۵ گویه بسته با یک سوال باز در اختیار آنان قرار گرفته است تا ضمن انتخاب گزینه ها چنانچه موردی را مهم می دانند که باید در پرسشنامه گنجانده شود یادآوری کنند. در دور دوم خلاصه ای از نتایج مرحله اول و ارزیابی آنها به نظر نخبگان رسیده است تا بازخورد آنها به نتایج مرحله اول و همینطور نیل به اجماع یا شناخت عمیق تر و تفاوت دیدگاهها حاصل شود.

این مرحله ۹ گویه بسته و سه سوال باز را شامل می شود. ترکیب نخبگان پژوهش بر اساس تخصص علمی: ۷ نفر متخصص علوم سیاسی (۶ نفر دکتری و ۱ نفر دانشجوی دکتری) ۶ نفر متخصص حقوق (۱ نفر دکتری، ۳ نفر دانشجوی دکتری، ۲ نفر دانشجوی فوق لیسانس) ۵ نفر دارای دکتری روابط بین الملل، یک نفر دکتری جامعه شناسی و یک نفر دارای دکتری تاریخ. از این تعداد شرکت کنندگان در پنل تحقیق ۱۰ نفر ملیت ایرانی، ۸ نفر عراقی و ۲ نفر لبنانی بوده اند. از نظر جنسیت ۱۷ نفر مرد، سه نفر زن بوده اند، از نظر شغل ۱۴ نفر مدرس دانشگاه، ۳ نفر دبیر آموزش و پرورش یک نفر کارمند وزارت کشور عراق، یک نفر کارمند شهرداری کربلا و یک نفر شغل نامشخص بوده است.

۴- مراحل سناریو نویسی براساس سناریو نویسی پیترو شوارتز

۴-۱- گام اول؛ شناسایی موضوع اصلی: هدف اساسی این مقاله بررسی امکان/عدم امکان نیل به ثبات سیاسی در کشور عراق تا یک دهه آینده است. بر این اساس در مرحله اول به منظور سناریو سازی باید اولویت ثبات سیاسی (به عنوان موضوع اصلی) نزد نیروهای تصمیم گیر در حاکمیت سیاسی عراق جستجو شود. نظر به اینکه بهتر است ساخت سناریو از درون به بیرون انجام شود، لازم است مروری بر تصمیم به ایجاد ثبات سیاسی نزد بازیگران داخلی عراق داشته باشیم.

بر اساس نتایج پنل خبرگان، اهمیت قانون اساسی با مشخصات فراگیر بودن و مبتنی بودن بر رویه های دموکراتیک مورد احترام همه جریانات سیاسی عراق بوده است. چنانکه ۷۰٪ درصد مشارکت کنندگان در پنل با امتیاز و درجه اهمیت ۸۸ بر این موضوع صحنه گذاشته اند. (جدول شماره ۳) قوانین عراق [بویژه قانون اساسی] نه تنها حضور کردها و سنی ها را که نسبت به شیعیان در اقلیت هستند در حاکمیت تضمین می کند، بلکه برای طبقات و گروه های دیگر اجتماعی و سیاسی یعنی مسیحیان، ایزدی ها، آشوری ها و زنان نیز سهمیه جبرانی در نظر گرفته تا چنانچه در انتخابات به کرسی های لازم دست نیافتند، سهم آنها از کرسی های جبرانی تأمین شود. با این وجود توزیع طایفه ای مناصب ریاستی در ساختار سیاسی حقوقی عراق به صورت عرفی اجرا می شود و در اسناد بالادستی مانند قانون اساسی به آن تصریح نشده است. این الگو، دموکراسی پارلمانی عراق را مقید و محدود به شکل خاصی از تقسیم قدرت براساس اصول طایفه ای کرده است؛ به نحوی که پست ریاست جمهوری به کردها، پست نخست وزیری به شیعیان و پست ریاست پارلمان به اهل سنت اختصاص داده شد. برای هر کدام از این پست ها، دو پست معاونت تعیین شده است و در صورت تصدی یک پست ریاستی به نماینده یک گروه قومی یا مذهبی، معاونین او باید از سایر گروه های قومی یا مذهبی انتخاب شوند. (زارعان، معدنی، تاج الدین، ۱۳۹۷: ۱۴۵)

سنی های عراق به رغم مخالفت های اولیه با روند سیاست دموکراتیک جدید در عراق و حتی مقابله شبه نظامیان سنی با دولت جدید، به تدریج وارد روند سیاسی شدن . ۵۵ درصد شرکت کنندگان در پنل تحقیق نیز معتقدند که اهل سنت عراق مشارکت در ساختار سیاسی موجود را بر فدرالیسم و تجزیه عراق ترجیح می دهد و ۶۵ درصد مشارکت کنندگان در پنل، نظام سهمیه بندی را که در آن اهل سنت از نقش و جایگاهی برخوردار در ساختار سیاسی موجود برخوردار است را در راستای ثبات سیاسی و دموکراسی اجماعی ارزیابی کرده اند. (جدول شماره ۳)

کردها نیز که همواره به عنوان نیروی چالشگر قدرت مرکزی در عراق تأثیر داشته اند، خود به عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب میشوند و در طراحی و اجرای سیاستهای این کشور دخالت مستقیم و مؤثر دارند. اعطای خودمختاری به کردها در قانون اساسی جدید عراق، نقش ژئوپلیتیک آنان را در صحنه عراق فزونی بخشیده است. (باقری ۱۳۹۲: ۱۵۴) ۶۵ درصد خبرگان شرکت کننده در پنل نیز معتقدند اقلیم کردستان بعد از شکست در عملی کردن همه پرسی استقلال خواهی، از مشارکت در ساختار سیاسی موجود ابراز رضایت می کنند و دموکراسی اجماعی را ترجیح می دهند. علاوه بر این ۶۵ درصد مشارکت کنندگان نظام سهمیه بندی موجود با نقش آفرینی و شراکت کردها را با اهمیت دانسته اند. (جدول شماره ۳)

با توجه به جایگاه برتر شیعیان در نظام سیاسی این کشور گرایش اصلی گروه های شیعی عراق حفظ یکپارچگی عراق، تلاش برای کسب قدرت بیشتر در چارچوب معادلات داخلی عراق و تلاش برای برقراری ثبات و امنیت است. تلاشهای آیت الله سیستانی نیز همواره بر حفظ وحدت و یکپارچگی، تقسیم عادلانه قدرت بین اقوام و گروههای مختلف سیاسی و استقلال عراق متمرکز بوده است و شائبه حمایت یک طرفه و صرف از شیعیان را با کنش های مردم گرایانه خود از بین برده است. در این راستا ۵۵ درصد از مشارکت کنندگان در پنل با درجه اهمیت ۸۵ جایگاه شیعیان در ساختار موجود را گامی در جهت ثبات و دموکراسی اجماعی تلقی کرده اند. و ۶۵ درصد نیز نظام سهمیه بندی با حضور شیعیان را با درجه ۹۹ با اهمیت ارزیابی نموده اند. (جدول شماره ۳). بنابراین شیعیان، اهل سنت و کردها به عنوان تصمیم گیرندگان اصلی عرصه سیاست ورزی عراق نیل به ثبات سیاسی را اولویت برتر خود می دانند.

۴-۲- گام دوم: شناسایی پارامترهای اثرگذار محیطی

برخی پژوهشگران معتقدند، یک طراح سناریو باید به صورت همزمان بر موضوعات کلیدی و مهم و رویدادهای غیرمنتظره و اثرگذار احتمالی تمرکز کند. تهیه فهرستی از عوامل حیاتی که بر موفقیت یا شکست سازمان یا نهاد تأثیر می گذارد، نکته ای است که در این مرحله باید به آن توجه داشت (نظری، محروق، ۱۳۹۴: ۲۰) در این مرحله عوامی موثر بر ثبات و بی ثباتی

عراق که در جدول شماره ۱، نشان داده شده است، در قالب پرسشنامه در اختیار ۲۰ نفر از نخبگان و کارشناسان امور عراق و منطقه قرار گرفته است.

جدول شماره ۱ عوامل کلیدی و اثرگذار محیطی در ثبات یا بی ثباتی سیاسی عراق

نقش و مداخله قدرتهای منطقه ای (ایران، عربستان، ترکیه) و فرامنطقه ای (آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و اسرائیل) در عراق	کارآمدی دولت عراق (پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و مسئولیت پذیری)
مواضع گروههای سیاسی عراق در باره عراق یکپارچه و متحد و مبتنی بر دموکراسی اجماع	انتخابات آزاد و رقابت مسالمت آمیز احزاب و گروههای سیاسی
نگرش گروههای سیاسی عراق نسبت به نظام فدرالیسم است.	اصل قانونمندی در عملکرد دولت قبل و بعد از داعش
احتمال تجزیه و جنگ داخلی در عراق در دهه آینده	اصل جابجایی نخبگان و همگرایی نخبگان و شایسته سالاری
دیدگاه (قدرتهای منطقه ای) ایران، عربستان و ترکیه در مورد تجزیه، نظام فدرالی و عراق واحد	چگونگی تعامل بین سه ائتلاف بزرگ «شیعه، سنی و کرد»
دیدگاه (قدرتهای فرامنطقه ای) ایالات متحده، روسیه و اتحادیه اروپا در قبال، تجزیه، فدرالیسم یا عراق یکپارچه و منسجم	نظام سهمیه بندی و توزیع قدرت بین سه ائتلاف در ساختار سیاسی عراق
سیاست خارجی نسبتاً متوازن دولت الکاظمی در قبال ایران، عربستان، ترکیه و آمریکا و تقویت جایگاه منطقه ای و بین المللی عراق (کنفرانس بغداد).	رویه سیاسی آیت الله سیستانی نسبت به تحولات سیاسی عراق
تأثیر فرهنگ قومی عشیره ای، اختلافات قومی مذهبی بر میزان ثبات سیاسی، خشونت و اقتدار دولت مرکزی در دهه آینده،	نوع نگرش جریانات سیاسی به قانون اساسی عراق
احتمال بازگشت و سیطره گروههای تکفیری و سلفی در عراق بعد از شکست داعش	جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی عراق و مواضع آنها نسبت به نظام فدرالیسم، تجزیه یا جنگ داخلی و دموکراسی مبتنی بر اجماع بین سه ائتلاف بزرگ

نقش اهل سنت در ساختار سیاسی و دیدگاه آنها در قبال نظام فدرالیسم، تجزیه یا جنگ داخلی و دموکراسی مبتنی بر اجماع بین سه ائتلاف بزرگ	تأثیر هویت ملی عراق با محوریت ناسیونالیسم ملی در آینده سیاسی عراق و در روابط با قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای را بر محور سازوکارهای حقوقی بین المللی و استقلال سیاسی در دهه آینده
شکست همه پرسی استقلال کردستان و چگونگی مشارکت اقلیم کردستان در ساختار سیاسی عراق	تأثیر بحرانهای کارآمدی، هویت، مشروعیت، اختلافات درون گروهی بر ثبات سیاسی
شکست داعش و چگونگی کنترل دولت مرکزی عراق بر نیروهای شبه نظامی	مولفه های دموکراسی مبتنی بر اجماع: توافق جریانات سیاسی عراق بر قانون اساسی، رقابت حزبی، توزیع نسبی قدرت بین سه ائتلاف بزرگ و تقویت دولت مرکزی، برای نیل به ثبات سیاسی
عوامل موثر بر افزایش اقتدار دولت مرکزی: شکست داعش، خروج نیروهای آمریکا از عراق، شکست همه پرسی استقلال کردستان	کشگران داخلی عراق، شیعیان، اهل سنت، اکراد، دولت مرکزی

عوامل اثرگذار محیط سیاسی عراق بر اساس تحولات پسا داعش در عراق بر مبنای موضوع و سوال تحقیق، مطالعه منابع مکتوب مرتبط با موضوع و نظر خواهی از نخبگان و کارشناسان امور عراق در مرحله اول پرسشنامه در ۲۶ عامل تأثیر گذار طبق جدول شماره ۱ استخراج شده است. طبق نظر نخبگان و منابع مکتوب، تقویت نسبی اقتدار دولت مرکزی عراق بعد از فروپاشی داعش و کنترل بیشتر بر نیروهای شبه نظامی از جمله: خلع سلاح نیروهای طرفدار صدر، به کنترل درآوردن، حشد شعبی به عنوان بخشی از نیروهای مسلح عراق و در قالب یک تشکیلات مستقل نظامی و مرتبط با فرماندهی کل قوا و موضوع نیروهای پیشمرگ توفیق کافی نداشته است بطوریکه حیدر العبادی نخست وزیر سابق نتوانست به آسانی از شر نیروهای شبه نظامی قدرتمند خلاصی یابد یا آنها را در درون نیروهای نظامی موجود عراق متحد سازد (Mansour & Faleh, 2017: 10) هدف العبادی تأثیر گذاری بر وضعیت خودمختار نیروهای شبه نظامی و مردمی بود تا بتواند آنها را تحت کنترل دولت درآورد. (Ibid: p. 21)

موضوع نیروهای پیشمرگ هنوز مورد اختلاف اربیل و بغداد است. کردها معتقدند که براساس توافقاتی که طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ صورت گرفته است، نیروهای پیش مرگ با اینکه تحت ساختار نیروهای مسلح عراق هستند باید تحت فرماندهی رئیس اقلیم کردستان عراق

باشند اما دولت عراق تاکید دارد که نیروهای پیشمرگ باید بخشی از نیروهای مسلح عراق باشند و فرماندهی آنها بر عهده فرمانده کل قوا یعنی نخست وزیر عراق باشد. (پیشگامی فرد، کریمی، ۱۳۹۷: ۱۰۴۴)

براساس نتایجی که از نظر خبرگان شرکت کننده در پنل (جدول شماره ۳) این تحقیق بدست آمده است ۶۰ درصد خبرگان امور عراق با درجه اهمیت ۸۲ معتقدند که کنترل دولت مرکزی بر نیروهای شبه نظامی پس از شکست داعش بیشتر شده است اما ۴۰ درصد دولت را در این زمینه ناکام دیده اند و این نتیجه نشان می دهد که دولت برای رسیدن به وضع مطلوب در کنترل شبه نظامیان اگر چه موفقیت نسبی داشته است ولی هنوز راه درازی در پیش دارد. اعتراضات مناطق شیعه نشین و تغییر قانون انتخابات عراق عامل محیطی دیگری بود که بر تحولات عراق در پساداعش مؤثر بود. نخبگان شرکت کننده در پنل وجود بحرانهای کارامدی، هویتی، مشروعیتی و اختلافات درون گروهی را تاثیر گذارترین عوامل بر بی ثباتی در عراق دانسته اند. این عوامل دارای بسامد بالایی نزد نخبگان بوده است، چنانکه ۹۵ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۱۵۶ وجود این بحرانها در عراق را تایید و استمرار آنها را برای نیل به ثبات سیاسی مضر ارزیابی کرده اند. فقط ۵ درصد نظر مخالف داشتند. مبنای اعتراضات ۲۰۱۹ عراق بر همین محورها بود.

از رویدادهای مهم عراق پساداعش خروج نیروهای نظامی آمریکایی طبق توافقات انجام شده بین دو کشور عراق و ایالات متحده بود. نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل تحقیق با درجه اهمیت بالا مداخله و تاثیر گذاری قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای را در امور عراق تایید نموده اند. براین اساس ۸۰ درصد مشارکت کنندگان در پنل با درجه اهمیت ۱۰۸ این مداخله و نقش را تایید کرده اند. علاوه براین ۷۰ درصد نخبگان و کارشناسان مذکور با درجه اهمیت نسبتا بالای ۹۱ خروج نیروهای آمریکا از عراق را یکی از عواملی که به افزایش اقتدار دولت مرکزی کمک می کند، ارزیابی نموده اند.

همه پرسى استقلال خواهی در کردستان عراق نیز عاملی مهم در تحولات پساداعش بود. کردها پس از سالها مبارزه توانستند در سال ۱۹۹۱ در شمال این کشور به حدافلی از خودمختاری دست یابند. با سقوط صدام (۲۰۰۳) کردها موفق شدند کردستان را به منطقه ای فدرالی تبدیل کنند. این منطقه تا سال ۲۰۱۴ در اوج شکوفایی بود، اما با ظهور داعش (۲۰۱۴)، کردها با حکومت مرکزی عراق بر سر بودجه و مناطق مورد مناقشه دچار اختلاف شدند و در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ همه پرسى ای برگزار کردند که نتیجه آن، رأی مثبت حدود ۹۳ درصد کردها به استقلال از عراق بود. (پیشگامی فرد، کریمی، ۱۳۹۷: ۱۰۳۱)

مجموع عوامل داخلی (مخالفت قاطع دولت مرکزی و سایر گروهها و جریانات سیاسی عراق) و خارجی (مخالفت شدید ایران و ترکیه همراه با اقدامات عملی و مخالفت ضمنی ایالات متحده و سایر قدرتهای فرامنطقه‌ای) مسعود بارزانی را مجبور به عقب نشینی کرد. بارزانی بامداد ششم آبان ماه به فاصله یک ماه از برگزاری فرماندوم استعفا داد. نیچروان بارزانی برادرزاده او جانشین رهبر اقلیم شد و روش معتدل تری نسبت به عموی خود در پیش گرفت. همه پرسى تعلیق و شرط بغداد برای مذاکره با اربیل محقق شد. سرانجام ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷ میلادی دادگاه فدرال با صدور حکمی همه‌پرسی اقلیم کردستان را غیرقانونی و بر خلاف قانون اساسی دانست. (<https://www.irna.ir/news/82781639>) با این وجود موضوع استقلال خواهی و اختلافات اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق بر سر حاکمیت کرکوک و تعیین قلمرو اقلیم در دراز مدت عواملی بالقوه در بی ثباتی سیاسی خواهند بود.

۴-۳- گام سوم: نیروهای محرک و پیشران در تحولات آینده عراق

منظور از پیشران، هر چیزی است که صحنه و محیط کلان را متحول می‌کند و تغییر می‌دهد. آنچه همواره می‌تواند فاکتورهای کلیدی را تحت تأثیر قرار دهد و تغییرات مورد نیاز آنها را به وجود آورد، واقعه یا رویدادی را سریع‌تر از زمان خود و یا کندتر از زمان واقعی با شدت و قدرت متفاوت ایجاد کند، عبارت از نیروهای پیشران است. همواره باید به خاطر داشته باشیم که نیروهای پیشران موتورهای تغییر فاکتورهای کلیدی هستند. (منتظران، قربانی، : ۸۲) در جدول شماره ۳ درجه اهمیت و درجه عدم قطعیت گویه‌ها از نظر نخبگان پنل ملاک تعیین پیشرانها، سناریوها و عوامل مؤثر بر ثبات / بی ثباتی سیاسی است.

الف) پیشران‌های داخلی عراق

براساس نظر نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل، شیعیان و جریانت سیاسی مرتبط با آن و شخصیت آیت الله سیستانی، اهل سنت و کنش گران و گروههای سیاسی وابسته، اکراد و بلاخره دولت مرکزی عراق با درجه بالایی از اهمیت (میانگین درجه اهمیت عدد ۱۳۱ و میانگین درصد اهمیت ۸۲ درصد از نظر نخبگان ارزیابی شده است) به عنوان پیشرانهای داخلی شناسایی شدند.

شیعیان و تحولات عراق. شیعیان حدود ۶۴ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی عراق زندگی می‌کنند. حدود نیمی از جمعیت ترکمن‌ها و نیز بخشی اندک از کردهای عراق موسوم به کردهای فیلی نیز شیعه هستند. اکنون در بغداد و در طول ساحل چپ دجله به طرف شمال تا محل تلاقی دجله با رود عظیم، شیعیان، اکثریت را تشکیل می‌دهند (خسروی، خسبانی،

در حال حاضر در بین گروه‌های شیعه رقابت در بین سه گروه است: اولین آنها احزاب مذهبی و رادیکال، دوم احزاب میانه رو که در چند سال اخیر از احزاب حاکم جدا شده اند و سوم احزاب سکولار و ملی گرا و احزاب برخاسته از اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ (جبهه تشرین) است. علت اصلی این اعتراضات بحرانهای اجتماعی و اقتصادی و اختلافات درون گروهی بود. در میان گروههای فعال شیعه گروه ائتلاف الفتح به رهبری هادی عامری، گفتمان مذهبی و همسو با ایران در عرصه روابط خارجی، بزرگترین مخالف حضور نظامی آمریکایی در عراق است. جریان های میانه رو یا ائتلاف نیروهای حکومت ملی (جریان حکمت و النصر) به رهبری عمار حکیم و حیدر العبادی (گفتمان مذهبی- ملی) در عرصه سیاست خارجی ایجاد توازن در روابط با ایران و آمریکا را دنبال می کنند. ائتلاف دولت قانون، گفتمان مذهبی و همسویی بیشتر با ایران در عرصه روابط خارجی را دنبال می کند (ازکات در <https://www.cmess.ir/Page/View/2021-05-31/4786>)

دو جریان اصلی شیعه؛ یعنی حزب الدعوه و مجلس اعلا نیز تلاش می کنند با ایجاد توازن بین اراده سیاسی ایران و آمریکا موقعیت خود را در رأس هرم قدرت سیاسی حفظ کنند. جریان صدر نیز به عنوان یک جریان شیعی و اسلام گرا، با اتخاذ گفتمان قومی (عربی) می کوشد از ظرفیت این گفتمان و امتداد عربی خود در منطقه بهره برداری کند (زارعان، مدنی، تاج الدین، ۱۳۹۷: ۱۴۸) آیت الله سیستانی به عنوان شخصیتی تاثیرگذار در امور سیاسی عراق معتقدند: کشور عراق باید به دست ملت عراق و بهترین فرزندان عراق اداره شود و غیر عراقی، حق دخالت در سرنوشت عراق را ندارد و مردم عراق نباید تحت سلطه اجنبی، فعالیت کنند. ایشان ضمن اعتقاد به خروج نیروهای اشغالگر، وجود آنها را در صورت نیاز، تحت اشراف سازمان ملل جایز می داند. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

اعراب سنی عراق. اعراب اهل سنت، در دوران صدام حسین از جایگاه ممتازی برخوردار بودند و از این رو، آن دوره را عصر طلایی خویش تصور می کنند و از شخصیت صدام تجلیل به عمل می آورند. اغلب عملیات های تروریستی در عراق یا از ناحیه این گروه بود یا توسط گروه های رادیکال خارج از عراق و با وساطت و همراهی اهل سنت (و یا با ادعای دفاع از آنان) صورت گرفته است. مخالفت با حضور آمریکا و تاکید بر ضرورت خروج متحدین از عراق و اینکه آمریکا، عامل سقوط صدام و روی کار آمدن حکومت شیعی محسوب می شود و این هر دو به زیان اعراب اهل سنت بود. (خسروی، خسانی یزدانی، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۱۰۲)

در مجموع اصلی ترین اهداف و آمال اهل سنت عراق: رسیدن به حداکثر امتیازات عصر گذشته و جلوگیری از تجزیه عراق است. به دلیل وضع ژئواکونومیکی منطقه محل سکونت اهل سنت، تجزیه عراق به سه منطقه شیعه نشین، کردنشین و سنی نشین، به معنای محرومیت

اهل سنت از نعمت نفت و درآمدهای سرشار دیگر است. مخالفت با حضور آمریکا در عراق و مخالفت با واگذاری حاکمیت کرکوک به کردها از دیگر خواسته‌های سنی‌هاست. (باقری، ۱۳۹۲: ۱۵۱) اقلیت سنی عراق که بخش‌های مرکزی و قسمت اعظم پایتخت را در اختیار دارند بازیگر مهمی همچنان در آینده عراق خواهند بود. اعراب سنی به دلیل اقلیت بودن، هویت عربی خود را در راستای جهان عرب سنی تعریف می‌کنند و خود را جزئی از جهان عرب می‌دانند تا بدین وسیله از حمایت کامل برای کسب سهم بیشتری از قدرت در عراق برخوردار باشند.

کردها. کردها که در زمان صدام در ساختار سیاسی عراق مشارکت چندانی نداشتند. اکنون در دولت مرکزی عراق و اداره امور این کشور نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند و در سیاست عراق به نیرویی عمده تبدیل شده‌اند، به گونه‌ای که بدون در نظر گرفتن ملاحظات و منافع آن‌ها پیشبرد روند سیاسی عراق بسیار دشوار و حتی غیرممکن به نظر می‌رسد. مهمترین خواسته کردها در وضع کنونی، تثبیت فدرالیسم گُردی و الحاق کرکوک و سایر مناطق گُردنشین خارج از اقلیم کردستان به منطقه تحت حاکمیت این اقلیم است. (نجفی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۱) فرا رفتن از سطح نظام فدرالی و تشکیل نظام کنفدرالی و در نهایت جدایی از عراق و ایجاد دولت کردی آرمان و هدف کلان کردها است، اما موانع و ضعف‌های موجود، رسیدن به این هدف را دشوار و تا حدی غیرممکن ساخته است. (اسدی، ۱۳۹۸: ۱۳۲) نتایج مستخرج از نظر نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل تحقیق نشان می‌دهد که با شکست داعش ۸۵ درصد نخبگان با درجه اهمیت بالا (۱۲۲) معتقدند کشورهای منطقه‌ای و همسایه با عراق یکپارچه و نفی تجزیه و فدرالیسم موافق اند و ۷۰ درصد نخبگان مذکور با درجه اهمیت (۹۵) همین نظر را از مورد قدرتهای فرامنطقه‌ای دارند. بنابراین تجزیه عراق که استقلال کردستان می‌تواند یکی از پیامدهای آن باشد منتفی است.

نقش و عملکرد دولت عراق. طبق نظر نخبگان شرکت کننده در پنل تحقیق دولت عراق در نهادینه کردن شاخص‌های ثبات سیاسی مانند کارآمدی دولت (اصل پاسخگویی به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و مسئولیت پذیری) برگزاری انتخابات آزاد با مشارکت قابل قبول، اصل قانونمندی و اصل جابجایی، همگرایی و شایسته‌سالاری نخبگان، توفیق قابل توجهی نداشته است.

جدول شماره ۲ عملکرد دولت در زمینه شاخص های ثبات سیاسی: (کارآمدی، مشارکت سیاسی، قانونمندی، گردش نخبگان)

عوامل موثر بر ثبات و بی ثباتی در عراق	درجه اهمیت تا ۲۰۰	درصد اهمیت	تعداد (فراوانی) از ۲۰ (نفر)	درجه عدم قطعیت	درصد عدم قطعیت	تعداد (فراوانی)
کارآمدی دولت عراق (پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و مسئولیت پذیری)	۳۷	٪۳۰	۶	۱۰۳	٪۷۰	۱۴
انتخابات آزاد و رقابت مسالمت آمیز احزاب و گروههای سیاسی	۶۲	٪۴۵	۹	۸۷	٪۵۵	۱۱
اصل قانونمندی در عملکرد دولت قبل و بعد از داعش	۴۶	٪۳۵	۷	۱۰۰	٪۶۵	۱۳
اصل جابجایی نخبگان و همگرایی نخبگان و شایسته سالاری	۴۶	٪۳۵	۷	۱۰۱	٪۶۵	۱۳

چنانکه از جدول فوق قابل استنباط است نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل با درجه بالای عدم قطعیت که به شاخص های ثبات سیاسی داده اند، دولت (ها) عراق را در این زمینه ناموفق ارزیابی کرده اند. در شاخص های فوق میانگین درجه عدم قطعیت ۹۸ و میانگین درصد عدم قطعیت ۶۴ درصد است که عدم موفقیت دولت را قابل توجه می نماید. عملکرد دولت در این شاخص ها چندان حائز اهمیت نبوده است بطوریکه میانگین درجه اهمیت ۴۵ و میانگین درصد اهمیت ۳۶/۲ درصد است. مقایسه میانگین ها شکاف بین موفقیت و عدم موفقیت دولت را آشکارتر می سازد.

بر طبق نظر نخبگان شرکت کننده در پنل دولت عراق در عوامل و موارد معطوف به اقتدار موفقیت خوبی داشته است، میانگین درجه اهمیت این عوامل عدد ۹۹ و میانگین درصد اهمیت این عوامل ۷۳/۳ درصد است که هر دو سطح نسبتا بالایی از اهمیت را نشان می دهد. در مقابل میانگین عدم قطعیت حدود ۴۰ نفر و میانگین درصد عدم قطعیت حدود ۲۷ درصد است.

سیاست خارجی نسبتاً متوازن دولت عراق در سالهای اخیر از بالاترین اهمیت نزد نخبگان پنل-با درجه اهمیت ۱۲۴ و درصد اهمیت ۹۰ درصد- به خود اختصاص داده است که در نیل به ثبات سیاسی عراق عنصری مهم است.

دولت عراق علاوه بر اتخاذ سیاستی متوازن با قدرت های منطقه ای، گامی فراتر نهاد و به منظور ایفای نقش منطقه ای و بین المللی موثر نشستی را از وزرای خارجه و سران فرانسه و کشورهای منطقه در بغداد برگزار کرد. شرکت کنندگان علاوه بر حمایت از سیاست های داخلی عراق، از تلاش های مصرانه و دیپلماتیک عراق برای رسیدن به زمینه ای از نقاط اشتراک با سطوح منطقه ای و بین المللی در راستای تقویت اشتراکات سیاسی، اقتصادی و امنیتی و همچنین در دستور کار قرار دادن گفتگوی سازنده و تحکیم تفاهم ها بر اساس منافع مشترک استقبال کردند؛ (<https://www.irna.ir/news/84452207>). بنابراین دولت عراق در صدد است تا به منظور کاهش تنش های گروههای داخلی از یک سو و اتخاذ توسعه اقتصادی و فائق شدن بر مشکلات و نابسامانی های دوران اشغال از دیگر سو در روابط خود با کشورهای منطقه توازن برقرار نموده و به شائبه های تاثیرپذیری بغداد از سیاست های قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای پایان دهد.

پیشران های خارجی موثر در تحولات عراق

پیشرانهای خارجی موثر بر ثبات / بی ثباتی سیاسی در عراق از نظر خبرگان و کارشناسان امور عراق عبارتند از قدرتهای منطقه ای (ایران، ترکیه، عربستان) و قدرتهای فرامنطقه ای (آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه). ۸۰ درصد نخبگان پنل با درجه اهمیت ۱۰۸، معتقد به متاثر بودن تحولات عراق از مداخله و نقش قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای هستند. اما با شکست داعش، ۸۵ درصد آنان با درجه اهمیت بالای ۱۲۲، معتقدند که قدرتهای منطقه ای موافق عراق واحد و منسجم هستند و با تجزیه یا نظام فدرالیسم در عراق مخالفند. علاوه بر این ۷۰ درصد این نخبگان و کارشناسان با درجه اهمیت عدد ۹۵ معتقدند که پیشرانهای فرامنطقه ای نیز چنین دیدگاهی دارند. نکته اساسی که در اینجا اهمیت دارد فاصله معنی دار دو دیدگاه پیشرانهای منطقه ای و فرامنطقه ای در خصوص عراق واحد است. با آنکه هر دو دیدگاه مثبت است ولی کشورهای منطقه ای چون مجاور عراق هستند و و نگران پیامدهای امنیتی عراق برای ثبات سیاسی خود هستند با شدت بیشتری با عراق واحد موافق و بشدت باتجزیه و فدرالیسم مخالف اند.

از منظر منطقه ای دو کشور ایران و عراق دارای ۱۶۰۹ کیلومتر مرز مشترک هستند که از نظر جغرافیایی سیاسی یکی از بدترین حالات خطوط مرزی است. (عزتی؛ ۱۳۸۱: ۸) به لحاظ مذهبی ۶۰ درصد مردم عراق را شیعیان تشکیل می دهند که با ایران پیوند عمیق ایدئولوژیک

دارند. ایران دلایل مختلفی برای حمایت از عراق واحد و مخالفت با فدرالیسم گسترده، کنفدرالیسم و تجزیه عراق دارد؛ تأثیر فدرالیسم گسترده یا کنفدرالیسم و به ویژه تجزیه عراق بر تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی آن جدی است؛ به خصوص اینکه تشکیل دولت کُردی در شمال عراق تأثیرات مستقیمی بر گرایش های واگرایانه کردهای ایران دارد. نکته مهم دیگر، تأثیر تجزیه عراق و ناامنی های مرتبط با آن بر ثبات منطقه و از جمله امنیت ملی ایران است که تهران را به مخالفت با روندهای واگرایانه و گرایش های تجزیه طلبانه در عراق وادار می کند. (اسدی، راستگو، ۱۳۹۸: ۱۳۳-۱۳۴). ایران تنها کشوری بود که با تمام امکانات خود در حمایت از دولت مرکزی عراق، داعش را سرکوب کرد. ثبات سیاسی، وحدت قومی و مذهبی، حمایت از تمامیت ارضی عراق و مخالفت جدی با هرگونه حرکت تجزیه طلبانه در عراق، اهداف و سیاست ثابت ایران در قبال عراق است و از این منظر ایران به عنوان یک پیشران خارجی همچنان مهمترین تاثیرگذاری را در تحولات آینده عراق خواهد داشت.

کشور ترکیه با ۳۵۲ کیلومتر مرز مشترک از ناحیه ی شمال غربی عراق یکی از همسایگان مهم عراق به شمار می رود. روابط عراق با ترکیه یکی از پرتنش ترین روابط این کشور با همسایگانش در هفتاد سال گذشته بوده است. اختلافات اصلی بین دو کشور شامل موارد متعددی می شود که از جمله ی آنها می توان به مشکلات که کردها از طریق خاک هر یک از دو کشور در برهه های زمانی گوناگون برای کشور دیگر به وجود می آورده اند. همچنین اختلافات بر سر مسئله ی میزان حق آبه دو کشور از رودخانه های دجله و فرات، اشاره نمود. (تاج خسروی، خسبانی یزدانی، ۱۰۵) علاوه بر این جبهه ترکمن های عراق در منطقه کرکوک توسط دولت ترکیه پشتیبانی می شود. جبهه ترکمنی عراق به سخنگوی دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه تبدیل شده است و هر گونه ائتلاف یا اعتراض علیه سیاست ها و برنامه های دولت مرکزی عراق یا دولت محلی اقلیم کردستان را با هماهنگی ترکیه انجام می دهد. (نیکفر، زمانی دادانه، شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹۷: ۹۴) بنابراین ترکها خود را در جریانات عراق بخصوص مسائل شمال عراق از جمله مسئله کردستان محق می دانند. پیامدهای استقلال خواهی کردستان عراق و حرکت های تجزیه طلبانه در عراق بشدت امنیت کشور ترکیه را تحت الشعاع قرار می دهد، علاوه بر این ترکیه نیم نگاهی هم بر جمعیت همکیش سنی مذهب عراق نیز دارد تا در مواقع لازم در برابر شیعیان نزدیک به ایران جایگاه متوازنی برای خود ایجاد نماید. با توجه به این عوامل کشور ترکیه به عنوان پیشران کلیدی در تحولات عراق مطرح است.

عربستان سعودی با قدرت گرفتن شیعیان عراقی، از یک سو نگران حرکت شیعیان در خاک خود است و از سوی دیگر، احتمال برپایی حکومتی در عراق براساس دموکراسی که شیعیان

در آن نقش مسلط داشته باشند- در کنار حکومت شیعی در ایران- خطری عمده برای عربستان با ایدئولوژی وهابی آن به شمار می آید. تا جایی که این امر (قدرت گرفتن شیعیان در عراق) مشروعیت عربستان سنی را به عنوان رهبران دینی جهان عرب با چالش روبرو کرده است. شاهزاده سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان در دیدار با کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه ایالات متحده به زبان می آورد: «آمریکا، عراق را در آغوش ایران افکنده و ایران در حال بلعیدن عراق است». (مهتدی؛ ۱۳۸۴: ۶۹) در نتیجه پادشاهی سعودی سعی می کند از طریق حمایت از اهل سنت و عشایر سنی مذهب و نزدیک شدن به برخی گروههای شیعی میانه رو و ملی گرا و بهره گیری از توان سرمایه گذاری اقتصادی در عراق، رویکرد مسالمت آمیزتری نسبت به گذشته نسبت به عراق در پیش گیرد و بدین وسیله نفوذ خود را در این کشور گسترش و نفوذ ایران در عراق را تضعیف نماید.

در زمینه پیشرفتهای فرامنطقه ای نقش آمریکا در منطقه و عراق بارزتر از بقیه بوده است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ از مهمترین رویداد منطقه ی خاورمیانه در تاریخ معاصر بوده است. آمریکا یکی از مهمترین بازیگران فرا منطقه ای در عراق است که به گفته اندرهیل، در ایجاد دوستی قابل اعتماد با دولت بغداد و امنیت دراز مدت پایگاه های نظامی آمریکا در قلب منطقه تولید انرژی جهان شکست خورده است. حمایت های آمریکا از گُردها باعث تفاسیر اشتباهی نسبت به رویکرد کلان آمریکا در قبال عراق شده است. ضمن اینکه امریکایی ها از تاثیرات منفی تجزیه عراق بر ثبات منطقه ای نگران هستند. (اسدی، راستگو ۱۳۹۸: ۱۳۵-۱۳۶) بنابراین امریکایی ها در بین قدرت های فرا منطقه ای اگرچه به عنوان یک راهبرد اصلی برای پیاده سازی خاورمیانه ی جدید به دنبال تجزیه ی عراق بودند اما موانع عملی و مخالفت تمام گروه ها و بازیگران دیگر موجب شده بود که حداقل به صورت موقت از این هدف بزرگشان چشم پوشی کنند. بلاخره در اکتبر ۲۰۲۱ آمریکا رسماً نیرو های خود از عراق را خارج کرد. اقدامی که توافق قبلی دو کشور بود و افکار عمومی دو کشور عراق و ایالات متحده، گروههای سیاسی عراق و دولت ایران موافق آن هستند. با این وجود ایالات متحده به عنوان قدرت برتر فرامنطقه ای و جایگاهی که در شورای امنیت دارد و پایگاههای نظامی متعدد در کشورهای منطقه و نهایتاً ارتباطی که با سیاستمداران عراقی دارد همچنان یکی از کلیدی ترین بازیگران موثر بر آینده عراق خواهد بود.

روسیه نیز با وجود تلاش برای بهبود روابط با گُردهای عراق، به دلایل مختلفی مانند سیاست کلان حمایت از دولت های مرکزی در خاورمیانه، اقلیتهای قومی و مذهبی داخل کشور و آسیب پذیری درونی، نگرانی از تاثیرات بی ثبات کننده تجزیه عراق بر گسترش افراط گرایی و سوءظن نسبت به سیاست های آمریکا در منطقه از عراق واحد حمایت میکند. اتحادیه اروپا از

گسترش بی ثباتی در خاورمیانه در نتیجه تجزیه عراق نگران است؛ زیرا پیامدهای آن مانند گسترش تروریسم و هجوم آوارگان به اروپا را خطرناک می‌داند؛ بدین سبب با تجزیه عراق مخالف است؛ و به همین خاطر، به شدت با همه پرس‌های استقلال در سال ۲۰۱۷، مخالفت کرد. اسدی، راستگو (۱۳۹۸: ۱۳۵-۱۳۶) با این وجود در اتحادیه اروپا کشورهایی نظیر فرانسه بواسطه رابطه سنتی که از دیرباز با خاور میانه و بویژه عراق و سوریه داشته‌اند همواره بدنبال نقش آفرینی در تحولات این کشورها بوده‌اند، رئیس‌جمهور فرانسه تنها مقام عالی رتبه اروپایی بود که در نشست بغداد حضور داشت و این علاقمندی فرانسه به تاثیرگذاری بر جریان‌ات عراق را نشان می‌دهد.

۴-۶- گام چهارم: عدم قطعیت‌های اصلی و سناریوهای ثبات سیاسی در عراق

پیش‌ران‌ها در گام تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی، نقش اصلی دارند؛ تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی را می‌توان قلب فرایند سناریونگاری دانست. نخبگان و شرکت‌کنندگان در پنل تحقیق در برخی مؤلفه‌های تاثیرگذار بر ثبات سیاسی عدم قطعیت‌هایی را به صراحت بیان کرده‌اند که آینده ثبات سیاسی عراق را با بحران مواجه می‌سازد. مثلاً در جدول شماره ۳، به توانمندی دولت در شاخص‌های ثبات سیاسی اطمینان ندارند و با اعلام عدم قطعیت در قانونمندی، کارامدی، گردش نخبگان و... در آینده استمرار بی ثباتی را نفی نکرده‌اند. میانگین درجه عدم قطعیت این شاخص‌ها ۹۸ و میانگین درصد عدم قطعیت ۶۵ درصد است که نشان می‌دهد بیش از دو سوم شرکت‌کنندگان پنل نسبت به وضعیت شاخص‌های ثبات سیاسی در عراق خوشبین نیستند. این نکته جالب‌تر اینکه ۵۰ درصد نخبگان احتمال بازگشت گروه‌های تکفیری و سلفی و ایجاد بی ثباتی در آینده را محتمل می‌دانند. علاوه بر این تعامل بین سه ائتلاف شیعه، سنی و کرد از نظر نخبگان وضعیت مطلوبی ندارد و با درجه عدم قطعیت عدد ۹۹ با تایید ۶۵ درصد نخبگان پنل روبروست. اینها نشان از عدم قطعیت و شکنندگی حداقل در برخی شاخص‌های ثبات سیاسی است.

در مواردی عدم قطعیت در ساختار گویه و گزاره‌ای که مورد نظر خواهی قرار گرفته است آمده است و نخبگان میزان اهمیت این گزاره را که در واقع عدم قطعیت را تایید می‌کند، پاسخ داده‌اند. مثلاً:

- ۷۰ درصد نخبگان و کارشناسان پنل با درجه اهمیت ۱۰۸ نظر داده‌اند که: فرهنگ قومی عشیره‌ای، اختلافات قومی مذهبی در دهه آینده، دولت مرکزی عراق را تضعیف و دوباره چرخه‌ای از خشونت و بی ثباتی سیاسی را بر عراق حاکم خواهد کرد.

- ۹۵ درصد نخبگان و کارشناسان پنل با با درجه اهمیت ۱۵۶ نظر داده اند که: وجود بحرانهای کارآمدی، هویت و مشروعیت و اختلافات درون گروهی چشم انداز ثبات سیاسی در عراق را در ابهام فرو برده است.
 - ۸۰ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۱۰۸ تایید کرده اند که: قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای در امور عراق نقش و مداخله دارند.
- بنابراین سیطره فرهنگ سیاسی مبتنی بر ارزشهای قومی، عشیره ای، مذهبی و بحرانهای متعدد سیاسی و نقض حاکمیت و استقلال عراق توسط کشورهای منطقه ای و فرمانطقه ای عدم قطعیت هایی است که آینده ثبات سیاسی عراق را تحت تاثیر قرار می دهد. حالات و وضعیت ثابت و قطعی برای هیچیک از این مؤلفه ها نمی توان متصور شد، زیرا سیر تحولات سیاسی چه در سطح ساختاری و چه کارگزاری در زمانهای مختلف می تواند منجر به شکل گیری کنش های متعارض و در نتیجه تاثیرگذار بر ثبات سیاسی شود.
- در زمینه ساختار سیاسی آینده عراق نیز نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل نظراتی ارائه داده اند که عدم قطعیت را می رساند. مثلاً:
- از نظر نخبگان و کارشناسان پنل تحقیق: ۶۵ درصد با درجه عدم قطعیت ۹۴ گروههای سیاسی عراق با نظام فدرالیسم مخالفند و دموکراسی مبتنی بر اجماع را ترجیح می دهند.
 - موافقت ۸۵ درصدی نخبگان با درجه اهمیت ۱۲۲ با این نظر که کشورهای منطقه ای با عراق واحد موافقت و با تجزیه عراق و نظام فدرالیسم مخالفند.
 - ۷۰ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۹۵ معتقدند که قدرتهای فرمانطقه ای مؤثر بر جریانات سیاسی عراق موافق عراق واحد و یکپارچه هستند و تجزیه و نظام فدرالیسم در آینده عراق را نفی می کنند.
 - ۶۰ درصد نخبگان و کارشناسان، احتمال تجزیه و جنگ داخلی در عراق در دهه آینده را با درجه عدم قطعیت عدد ۹۶ متفی دانسته اند.
- بدون شک طبق نظر کارشناسان پنل نظام سیاسی عراق به برخی مؤلفه های ارزشمند به طور نسبی دست یافته است. از جمله این مؤلفه ها می توان از: اجماع در پذیرش قانون اساسی از سوی همه گروههای سیاسی و قومیت های مذهبی-زبانی، که در آن حکومت پارلمانی، دموکراتیک و فدرال با برابری رای، کثرت گرایی و سازوکارهای دموکراتیک اداره جامعه به رسمیت شناخته شده است، رضایت اهل تسنن به مشارکت در فرایند دموکراتیک توزیع قدرت سیاسی، تقویت نسبی اقتدار دولت مرکزی بویژه پس از داعش بر نیروهای شبه نظامی و تلاش برای تسلط کامل بر این نیروها، تاکید جریانات مختلف شیعی بر حمایت از عراق واحد و یکپارچه، خروج نیروهای آمریکایی از عراق و... نام برد.

جدول شماره ۳ میزان اهمیت و درجه عدم قطعیت عوامل موثر بر ثبات/بی ثباتی در عراق از نظر خبرگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل دلفی.

عوامل موثر بر ثبات و بی ثباتی در عراق	درجه اهمیت تا ۰ تا ۲۰۰	درصد اهمیت	تعداد (فراوانی) از ۰ تا ۲۰ (نفر)	درجه عدم قطعیت ۰ تا ۲۰۰	درصد عدم قطعیت	تعداد (فراوانی)
کارآمدی دولت عراق (پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و مسئولیت پذیری)	۳۷	٪۳۰	۶	۱۰۳	٪۷۰	۱۴
انتخابات آزاد و رقابت مسالمت آمیز احزاب و گروههای سیاسی	۶۲	٪۴۵	۹	۸۷	٪۵۵	۱۱
اصل قانونمندی در عملکرد دولت قبل و بعد از داعش	۴۶	٪۳۵	۷	۱۰۰	٪۶۵	۱۳
اصل جابجایی نخبگان و همگرایی نخبگان و شایسته سالاری	۴۶	٪۳۵	۷	۱۰۱	٪۶۵	۱۳
چگونگی تعامل بین سه ائتلاف بزرگ «شیعه، سنی و کرد»	۴۹	٪۳۵	۷	۹۹	٪۶۵	۱۳
نظام سهمیه بندی و توزیع قدرت بین سه ائتلاف در ساختار سیاسی عراق	۹۹	٪۶۵	۱۳	۵۸	٪۳۵	۷
رویه سیاسی آیت الله سیستانی نسبت به تحولات سیاسی عراق	۱۵۸	٪۹۵	۱۹	۶	٪۵	۱
نوع نگرش جریانات سیاسی به قانون اساسی عراق	۸۸	٪۷۰	۱۴	۳۰	٪۳۰	۶
جایگاه شیعیان در ساختار	۸۵	٪۵۵	۱۱	۶۳	٪۴۵	۹

						سیاسی عراق و مواضع آنها نسبت به نظام فدرالیسم، تجزیه یا جنگ داخلی و دموکراسی مبتنی بر اجماع بین سه ائتلاف بزرگ
۹	%۴۵	۷۲	۱۱	%۵۵	۷۶	نقش اهل سنت در ساختار سیاسی و دیدگاه آنها در قبال نظام فدرالیسم، تجزیه یا جنگ داخلی و دموکراسی مبتنی بر اجماع بین سه ائتلاف بزرگ
۷	%۳۵	۵۲	۱۳	%۶۵	۸۳	شکست همه پرسی استقلال کردستان و چگونگی مشارکت اقلیم کردستان در ساختار سیاسی عراق
۸	%۴۰	۴۸	۱۲	%۶۰	۸۲	شکست داعش و چگونگی کنترل دولت مرکزی عراق بر نیروهای شبه نظامی
۶	%۳۰	۴۸	۱۴	%۷۰	۹۱	عوامل موثر بر افزایش اقتدار دولت مرکزی: شکست داعش، خروج نیروهای آمریکا از عراق، شکست همه پرسی استقلال کردستان
۴	%۲۰	۳۸	۱۶	%۸۰	۱۰۸	نقش و مداخله قدرتهای منطقه ای (ایران، عربستان، ترکیه) و فرامنطقه ای (آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و اسرائیل) در عراق
۵	%۲۵	۳۸	۱۵	%۷۵	۱۱۸	مواضع گروههای سیاسی عراق در باره عراق یکپارچه و متحد و مبتنی بر دموکراسی اجماع

۱۳	%۶۵	۹۴	۷	%۳۵	۵۷	نگرش گروه‌های سیاسی عراق نسبت به نظام فدرالیسم است.
۱۲	%۶۰	۹۶	۸	%۴۰	۵۰	احتمال تجزیه و جنگ داخلی در عراق در دهه آینده
۳	%۱۵	۲۵	۱۷	%۸۵	۱۲۲	دیدگاه (قدرتهای منطقه ای) ایران، عربستان و ترکیه در مورد تجزیه، نظام فدرالی و عراق واحد
۶	%۳۰	۵۴	۱۴	%۷۰	۹۵	دیدگاه (قدرتهای فرامنطقه ای) ایالات متحده، روسیه و اتحادیه اروپا در قبال، تجزیه، فدرالیسم یا عراق یکپارچه و منسجم
۲	%۱۰	۲۳	۱۸	%۹۰	۱۲۴	سیاست خارجی نسبتا متوازن دولت الکاظمی در قبال ایران، عربستان، ترکیه و آمریکا و تقویت جایگاه منطقه ای و بین المللی عراق (کنفرانس بغداد)
۶	%۳۰	۴۷	۱۴	%۷۰	۱۰۸	تاثیر فرهنگ قومی عشیره ای، اختلافات قومی مذهبی بر میزان ثبات سیاسی، خشونت و اقتدار دولت مرکزی در دهه آینده،
۱۰	%۵۰	۷۲	۱۰	%۵۰	۷۷	احتمال بازگشت و سیطره گروههای تکفیری و سلفی در عراق بعد از شکست داعش
۸	%۴۰	۵۴	۱۲	%۶۰	۱۰۵	تاثیر هویت ملی عراق با محوریت ناسیونالیسم ملی در آینده سیاسی عراق و در روابط با قدرتهای منطقه ای و

						فرامنطقه ای را بر محور سازوکارهای حقوقی بین المللی و استقلال سیاسی در دهه آینده
۱	%۵	۸	۱۹	%۹۵	۱۵۶	تأثیر بحرانهای کارآمدی، هویت، مشروعیت، اختلافات درون گروهی بر ثبات سیاسی
۸	%۴۰	۶۴	۱۲	%۶۰	۸۲	مولفه های دموکراسی مبتنی بر اجماع: توافق جریانات سیاسی عراق بر قانون اساسی، رقابت حزبی، توزیع نسبی قدرت بین سه ائتلاف بزرگ و تقویت دولت مرکزی، برای نیل به ثبات سیاسی
۵	%۲۵	۴۰	۱۵	%۷۵	۱۱۰	پیشران های داخلی در عراق شیعیان، اهل سنت، اکراد و دولت عراق هستند
۵	%۲۵	۳۹	۱۵	%۷۵	۱۲۲	غیر ممکن بودن حکمرانی بدون حضور هریک از سه ائتلاف)

۴-۵- گام پنجم: انتخاب منطق سناریوها (بر مبنی اهمیت و عدم قطعیت)

با توجه به عدم قطعیت بالا در شاخص های ثبات سیاسی، سیطره فرهنگ بدویت قومی عشیره ای بر ساختار اجتماعی عراق، بحرانهای سیاسی و مداخله قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای، سناریوی استمرار نسبی بی ثباتی در عراق در دهه آینده محتمل است. بدون شک شکست داعش، تسلط نسبی دولت بر گروههای شبه نظامی، خروج نیروهای آمریکایی از عراق، بی اعتبارسازی همه پرسر کردستان عراق و سیاست خارجی نسبتاً متوازن دولت الکاظمی، شاخص اقتدار دولت را نسبتاً افزایش می دهد، بنابراین سناریوی استمرار بی ثباتی سیاسی با شدت کمتر در دهه آینده محتمل خواهد بود.

منازعات قومی-مذهبی چه در مناسبات اقلیم کردستان با دولت مرکزی، چه در روابط مناقشه آمیز دیرینه میان شیعه و سنی و چه افزایش مناقشه بین کرد، ترکمن و عرب، بدون شک احتمال سناریوی تجزیه تقویت می کند. در این میان نقش دولت مرکزی و همینطور کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای نیز تعیین کننده است. چنانچه دولت مرکزی در توزیع قدرت و ثروت بین اقوام، قبایل و پیروان مذاهب گوناگون تعادل و توازن را رعایت نموده و در جهت ارتقاء فرهنگ سیاسی و اولویت بخشیدن به هویت عراقی گام بردارد، سناریوی تحکیم نظام دموکراسی مبتنی بر اجماع و توافق و تحکیم انسجام اجتماعی و ملی رخ خواهد داد. اگر دولت اقتدار کافی جهت توزیع مناسب ثروت و قدرت را در بین اقوام و قبایل نداشته باشد، این تبعیض ها لایه های زیرین جامعه عراق یعنی عشایر و قبایل را در گیر سازد و خشونت را به امری فراگیر تبدیل کند، دولت مرکزی دچار انواع بحرانهای مشارکت، توزیع، مشروعیت، کارآمدی، و هویت خواهد شد و سناریوی تجزیه عراق ممکن خواهد بود. اما چنانچه نزاع سیاسی ناشی از ناهمگونی فرهنگ سیاسی در سطح سه جمعیت بزرگ کرد، شیعه و سنی و در حالت ضعف دولت مرکزی باشد و سه جمعیت مذکور قادر به کنترل تنش ها و خشونت های درونی خود باشند، سناریوی فدرالیسم محتمل خواهد بود.

با این وجود نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل تحقیق احتمالات تجزیه و فدرالیسم را ضعیف ارزیابی کرده اند. بنابراین از فضای تحلیلی که با تکیه و استنباط از داده های جمع آوری شده از پنل نخبگان و کارشناسان و منابع مکتوب حاصل شد، سناریوی فدرالیسم، سناریوی تجزیه، سناریوی استمرار بی ثباتی با شدت کمتر و سناریوی ثبات سیاسی مبتنی بر دموکراسی اجماع استنتاج گردید.

۴-۶- گام ششم: سناریوهای نظام سیاسی عراق در دهه ۲۰۲۰-۲۰۳۰

سناریوی تجزیه عراق (سناریوی با امکان تحقق ضعیف)

با توجه به سه بازیگر برتر و فعال در عراق: شیعیان، اهل سنت و اکراد، منظور از تجزیه عراق تقسیم این کشور به سه کشور مستقل در قلمرو شیعیان، سنی ها و کردها است. مخالفت شیعیان و سنی ها با استقلال کردستان عراق، منازعه کردها با دولت مرکزی بر سر کرکوک و تعیین مرز، اختلاف کردها با دولت مرکزی بر سر منابع نفتی، تشدید منازعات قومی-مذهبی و احتمال مداخله کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای، ضعف دولت مرکزی جهت کنترل منازعات شدید قومی، عدم کفایت اقتدار دولت جهت توزیع مناسب ثروت و قدرت در بین اقوام و قبایل، از جمله دلایلی هستند که احتمال سناریوی تجزیه عراق را ممکن می سازد. اما با توجه به تحولات عراق در سالهای پساداعش، نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل این سناریو را غیر ممکن می دانند:

جدول شماره ۴ نظرات مرتبط با امکان سناریو تجزیه عراق

<ul style="list-style-type: none"> - ۵۵ درصد نخبگان شرکت کننده در پنل معتقدند که شیعیان و اهل سنت با تجزیه عراق مخالفند با درجه اهمیت ۸۱ (میانگین دو گروه) - ۶۰ درصد نخبگان احتمال تجزیه و جنگ داخلی در دهه آینده را نفی کرده اند. با درجه اهمیت ۹۶ - ۸۵ درصد نخبگان پنل معتقدند کشورهای برتر منطقه (ایران، ترکیه، عربستان) بواسطه ملاحظات امنیتی و سیاسی با تجزیه عراق مخالفند با درجه اهمیت ۱۲۲ - ۷۰ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۹۵ معتقدند که کشورهای فرامنطقه ای بر مبنای منافع خود با تجزیه عراق مخالفند. - ۷۵ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۱۱۸ معتقدند گروههای سیاسی عراق معتقد به عراق واحد و متحد هستند - ۶۰ درصد نخبگان معتقدند که هویت ملی عراق در حال تقویت شدن است و این نیز گامی در جهت نفی تجزیه عراق است. - سیاست خارجی متوازن منطقه ای و فرامنطقه ای و تلاش جهت ارتقاء جایگاه و نقش منطقه ای عراق که ۹۰ درصد نخبگان آن را تایید نموده اند و کنترل نسبی دولت مرکزی بر نیروهای شبه نظامی خود گامهایی در مخالفت با تجزیه عراق است 	دیدگاه نخبگان در مورد سناریوی تجزیه عراق
--	--

بنابراین با ابتنا بر نتایج حاصل از دیدگاه نخبگان امکان عملی شدن این سناریو حداقل در ده سال آینده بسیار ضعیف است. تجزیه عراق اهل سنت را از درآمدهای نفتی شمال و جنوب عراق (ژئواکونومیک) محروم می کند و از نظر ژئوپلیتیک موقعیت اهل سنت را از جایگاهی که اکنون در نظام سیاسی دارند به مراتب تقلیل و تضعیف می کند. شیعیان با موقعیت برتری که

در ساختار سیاسی فعلی دارند به عنوان جمعیت اکثریت امکان تجزیه عراق را نمی دهند. اکراد نیز بعد از ناکامی در استقلال خواهی با موقعیتی که در دولت مرکزی و اختیارات نسبتاً گسترده ای که در اقلیم کردستان دارند فعلاً عراق یکپارچه را ترجیح می دهند. تایید و اعتماد به قانون اساسی جدید و مشارکت در نظام سیاسی مبتنی بر آن توسط سه گروه شیعه، سنی و کرد، نشان از تمایل آنها به همگرایی و ایجاد یک دموکراسی اجماعی و پرهیز از اتخاذ سیاست های واگرایانه و تجزیه طلبانه است. این عامل مورد تایید ۷۰ درصد شرکت کنندگان در پنل تحقیق است. قدرتهای منطقه ای چنانکه در بخش پیش رانهای خارجی و نظر نخبگان پنل مطرح شد، موافق تجزیه عراق نیستند. مثلاً عربستان سعودی علی رغم حمایت پنهان و آشکار خود از داعش و القاعده و گروههای افراطی اهل سنت در گذشته، با تجزیه عراق مخالف است زیرا تجزیه عراق عربستان را با یک کشور شیعی در جنوب عراق هم مرز می کند که از نظر امنیتی و رقابتی که با ایران دارد مخاطره آمیز است. عربستان خود را سردمدار هویت عربی و اسلامی نزد اهل سنت می داند، تجزیه عراق این هویت عربی و مذهبی را خدشه دار می کند.

با خروج نیروهای آمریکایی جنگهای نیابتی قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق فروکش می کند و احتمال تجزیه این کشور کاهش می یابد. آمریکایی ها با تجزیه عراق پس از شکست داعش مخالفت کردند، حتی حاضر به حمایت از همه پرسى کردستان نشدند. بیم اتحادیه اروپا از گروههای افراطی و گسترش خشونت در اروپا و ترس از هجوم مهاجرین به این کشورها سبب حمایت این کشورها از عراق یکپارچه و منسجم است. روسیه به دنبال تحکیم نفوذ خود در عراق در غیاب قدرتهای خارجی است و ترس از نفوذ تروریسم مذهبی در مناطق جنوبی و همجوار با منطقه غرب آسیا، چنانکه قبلاً بررسی شد، این کشور را به مخالفت با هرگونه تجزیه و بی ثباتی سیاسی در عراق سوق داده است. ۷۰ درصد نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل با درجه اهمیت ۹۵ در جدول شماره ۳ این دلایل را تایید کرده اند.

سناریوی تشکیل حکومت فدرالی در عراق (سناریوی ممکن)

در ساده ترین تعریف میتوان گفت فدرالیسم نظامی است که در آن قدرت بین واحدهای ملی و محلی حکومت تقسیم می شود و واحدهای محلی می توانند تحت حوزه اختیارات حقوقی و قانونی مستقل عمل کنند. (نجفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۳) در ماده یک قانون اساسی عراق،

نظام سیاسی این کشور علاوه بر دموکراتیک بودن، فدرالی بودن هم معرفی شده است اما عملاً فقط اقلیم کردستان از سیستم فدرالی بهره مند شده است و سایر نقاط عراق متعهد به حکومت مرکزی هستند. فرض تشکیل نظام فدرالی در عراق بر اساس واقعیت‌ها و ظرفیت‌هایی که سه جمعیت کرد، سنی و شیعه از آن برخوردارند حول محور سه منطقه فدرالی شیعه، سنی و کرد خواهد بود.

تاکید اقلیم کردستان بر حاکمیت بر مرزهای فرهنگی و قومی مردم کرد (فراتر از مرزهای کنونی) و تقاضای اختیارات بیشتر در چارچوب نظام خودمختار اقلیم کردستان، که در این صورت سناریوی نظام فدرالیسم در کل کشور عراق بخصوص از سوی شیعیان گزینه محتمل خواهد بود. برخی از گروه‌های سیاسی شیعه- از جمله مجلس اعلا- [در ابتدا] حمایت قاطع خود را از سیستم فدرالی حکومت در عراق ابراز داشته و آن را عرصه‌ی بروز و ظهور قدرت واقعی شیعیان می‌دانند. از سوی دیگر برخی احزاب و جریان‌های سیاسی شیعه، فدرالیسم را مغایر با حکومت اسلامی و آن را غیر قابل قبول می‌پندارند. اشخاصی نظیر مقتدا صدر و ابراهیم جعفری رئیس حزب الدعوه را می‌توان از زمره این افراد دانست (تاج آبادی، دهنوی، ۱۳۹۳: ۱۷۲) مرجع عالیقدر شیعیان عراق، آیت الله سیستانی نیز با این امر [نظام فدرالی] موافقت نکردند. (نجفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۸) با وجود مناقشاتی که بر سر مسئله کرکوک وجود دارد، نگرانی گروه‌ها و مقامات شیعه ویژه در قالب دولت عراق از فدرالیسم کردی افزایش یافته است. دیدگاه نخبگان شرکت‌کننده در پنل نیز این نظر را تایید می‌کند زیرا ۶۰ درصد مشارکت‌کنندگان با درجه اهمیت بالا (۱۰۵) بر هویت عراقی با محوریت ناسیونالیسم ملی و مستقل از قدرتهای خارجی در آینده سیاسی عراق تاکید کرده‌اند. نکته اساسی دیگر اینکه نخبگان پنل تحقیق تعامل بین سه جمعیت بزرگ شیعه، سنی و کرد را با ۶۵ درصد عدم قطعیت تایید کرده‌اند، که نشان می‌دهد تعامل و نحوه ائتلاف سه گروه قوام و تثبیت کافی را ندارد و می‌تواند عاملی در جهت تقویت فدرالیسم باشد. براین اساس احتمال شکل‌گیری چنین نظامی در دهه آینده در عراق کم اما در دراز مدت در صورتی که شیعیان بخواهند (چون کردها هم از آن برخوردارند) ممکن است.

جدول شماره ۵ سناریو حکومت فدرالی از نظر نخبگان پنل

<p>- ۵۵ درصد نخبگان شرکت کننده در پنل معتقدند که شیعیان و اهل سنت با فدرالیسم در عراق مخالفند با درجه اهمیت ۸۱ (میانگین دو گروه)</p> <p>- ۶۵ درصد نخبگان با درجه عدم قطعیت ۹۴ معتقدند گروههای سیاسی عراق (بجز کردها) تمایلی به نظام فدرالی ندارند. فقط ۳۵ درصد این نظام را با اهمیت دیده اند.</p> <p>- ۸۵ درصد نخبگان پنل معتقدند کشورهای برتر منطقه (ایران، ترکیه، عربستان) بواسطه ملاحظات امنیتی و سیاسی با فدرالیسم در عراق مخالفند با درجه اهمیت ۱۲۲</p> <p>- ۷۰ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۹۵ معتقدند که کشورهای فرامنطقه ای بر مبنای منافع خود با فدرالیسم در عراق مخالفند.</p> <p>- ۷۵ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۱۱۸ معتقدند گروههای سیاسی عراق معتقد به عراق واحد و متحد هستند</p> <p>- ۶۵ درصد نخبگان و کارشناسان پنل با درجه عدم قطعیت ۹۹ چگونگی تعامل بین سه ائتلاف شیعی، سنی و کرد را تایید نکرده اند.</p>	<p>دیدگاه نخبگان در مورد حکومت فدرالی عراق</p>
---	--

بنابراین نظام فدرالی اگرچه فرصت هایی را در اختیار اقوام و اقلیت های مذهبی در عراق قرار می دهد و آنان را در قدرت شریک می سازد اما راه رسیدن به این نوع نظام سیاسی آن هم در کشوری که هنوز نظام دولت ملت سازی در آن استحکام زیادی ندارد با دشواری های زیادی روبرو است. چگونگی ترسیم خطوط مرزی حکومت های فدرال محلی با یکدیگر، شیوه تقسیم قدرت در دولت فدرال مرکزی، چگونگی اداره به کارگیری نیروهای مسلح، چگونگی تخصیص بودجه و تقسیم مناطق و منابع نفتی از جمله این دشواری هاست که خود می تواند احتمال شکل گیری و موفقیت نظام فدرالی را زیر سوال ببرد. مخالفت اهل سنت و شیعیان، قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای بواسطه ملاحظات امنیتی با فدرالیسم، مساله لاینحل کرکوک و محدودیت هایی که نظام فدرالی بر هریک از فدرال های ایالتی از نظر ژئوپلتیکی و امنیتی

وارد می‌سازد، شکل‌گیری چنین نظامی را در دهه آینده محتمل نمی‌سازد ولی امکان آن دور از ذهن نیست.

سناریوی نظام دموکراسی اجماعی در عراق (سناریوی مطلوب و ممکن). رهیافت دموکراسی مبتنی بر اجماع، در واقع در رابطه با جوامع فاقد یکدستی مذهبی و زبانی مطرح شده است. در این جوامع دموکراسی و ثبات سیاسی تنها از طریق اجماع آرا و توافق همگانی همه فرقه‌ها و گروه‌های سیاسی، و به عبارت دیگر سهم بودن تمامی فرقه‌های مختلف جامعه سیاسی در قدرت امکان‌پذیر است. (محمدی لری، ۱۳۹۳: ۷۶) مواردی که در جدول ذیل نخبگان شرکت‌کننده در پنل مطرح نموده‌اند موارد قابل توجهی ریشه در عینیت و تحولات عینی عراق دارد. اما برخی موارد نیز نشان از آرمان و مطلوبیت برخی ارزشها و هدف‌ها نزد نخبگان پنل دارد.

جدول شماره ۶ مؤلفه‌های سناریوی دموکراسی مبتنی بر اجماع از نظر نخبگان پنل تحقیق

دیدگاه نخبگان در مورد دموکراسی مبتنی بر اجماع (مؤلفه‌های دموکراسی مبتنی بر اجماع)	- چگونگی تعامل بین سه ائتلاف بزرگ «شیعه، سنی و کرد»، با درجه عدم قطعیت ۹۹ از سوی ۶۵ درصد نخبگان پنل روبرو شده است. فقط ۳۵ درصد با درجه اهمیت ۴۹ نحوه تعامل موجود بین سه ائتلاف را تایید کرده‌اند.
	- ۵۵ درصد نخبگان با درجه عدم قطعیت ۸۷ معتقدند گروه‌های سیاسی عراق انتخابات را رقابتی و مسالمت‌آمیز نمی‌دانند. ۴۵ درصد با درجه اهمیت ۶۲ نظری مثبت دارند.
	- نظام سهمیه‌بندی و توزیع قدرت بین سه ائتلاف شیعه و سنی و کرد عراق مورد تایید ۶۵ درصد شرکت‌کنندگان در پنل با درجه اهمیت عدد ۹۹ بوده است.
	- ۹۵ درصد نخبگان و کارشناسان پنل با بالاترین درجه اهمیت یعنی عدد ۱۵۸، رویه سیاسی آیت‌الله سیستانی را فراگیر، دموکراتیک و در راستای دموکراسی مبتنی بر اجماع ارزیابی نموده‌اند.
	- از نظر ۷۰ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۸۸، قانون اساسی عراق از نگاه گروه‌های سیاسی عراق سویه دموکراتیک دارد و مورد تایید همه جریان‌های عراقی است.
	- ۶۵ درصد نخبگان با درجه اهمیت ۸۳ معتقدند که اقلیم کردستان

<p>پس از شکست عملی شدن همه پرسى مشارکت در ساختار سياسى عراق با دموکراسى اجماعى را ترجیح می دهند.</p> <p>- ۶۰ درصد نخبگان با درجه اهمیت عدد ۸۲ معتقدند که: اجماع جریانات سياسى عراق بر قانون اساسى، رقابت حزبى، توزیع نسبى قدرت بین سه ائتلاف بزرگ و تقویت دولت مرکزی از نشانه های دموکراسى مبتنى بر اجماع و تضمین ثبات سياسى در آینده است.</p> <p>- از نظر ۷۵ درصد نخبگان پندل با درجه اهمیت ۱۱۸، عراق یکپارچه با نظام پارلمانى دموکراتیک مبتنى بر اجماع همه گروههای عراقى، گزینه مناسب تری برای آینده عراق نسبت به نظام فدرالیسم است</p> <p>- ۵۵ درصد نخبگان با درجه میانگین ۸۱ معتقدند که شیعیان و سنى ها نظام دموکراسى مبتنى بر اجماع را بر فدرالیسم و تجزیه عراق ترجیح می دهند.</p> <p>- از نظر ۷۵ درصد نخبگان با درجه اهمیت عدد ۱۲۲، حکمرانى بر عراق بدون حضور هر یک از سه ائتلاف شیعه، سنى و کرد ممکن نیست، (این گویه وتوى متقابل ائتلاف ها می رساند که یکی از شاخص های دموکراسى مبتنى بر اجماع است)</p>	
--	--

نظر به اینکه نیمی از نخبگان پندل عرب و عراقى هستند و در جامعه عراق زندگى و مناصبى را عهده دار هستند، موارد زیادى از گویه ها درعین مطلوبیت، ریشه در واقعیت و تحولات عینى جامعه عراق نیز دارد. برگزاری ۵ دوره انتخابات مجلس از ۲۰۰۵ تا کنون و پذیرش قانون جدید انتخابات اولاً، نشان از اجماع احزاب و جریانات سياسى عراق در پذیرش نظام سياسى موجود دارد و ثانياً، احزاب و گروههای سياسى علاوه بر به رسمیت شناختن موجودیت یکدیگر به گفتگو و مبارزه مسالمت آمیز سياسى در یک فرایند دموکراتیک عملاً تمکین نموده اند.

نکته اساسى اینکه شاخصهای ثبات سياسى چنانکه در صفحات قبل آمد-جابجایی مسالمت آمیز نخبگان، کارآمدی دولت در پاسخگویی به نیازهای مردم، انتخابات منظم، تکثر احزاب و گروههای سياسى، شایسته سالارى، قانونمندی، مشارکت سياسى- موفقیت دولت مرکزی عراق در چهارسال گذشته (۲۰۱۷ پس از شکست داعش) طبق نظر نخبگان شرکت کننده در

پنل ناچیز بوده است و قطعیتی فراخور در تحکیم این شاخص‌ها از نظر نخبگان به چشم نمی‌خورد. اینکه همه گروه‌ها قانون اساسی دموکراتیک را پذیرفته‌اند، هیچ گروه عراقی خواهان تجزیه عراق نبوده است، از نظام فدرالی برای کل کشور عراق هم استقبال نشده است، اکثریت کشورهای همجوار و فرمانطقه‌ای هم بشدت با تجزیه عراق و فدرالی بودن این کشور مخالف و موافق یک عراق یکپارچه و واحد هستند، اگرچه گامی در راستای نیل به دموکراسی اجماعی هست اما تضمینی برای تحکیم این نوع دموکراسی حداقل در یک دهه آینده نیست. عدم تعمیق تعامل بین سه گروه شیعه، سنی و کرد، سیطره اجتماعی فرهنگ عشیره‌ای-قبیله‌ای، مداخلات قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، عدم قطعیت در تحکیم شاخص‌های ثبات سیاسی و.. چشم انداز تحکیم دموکراسی اجماعی در عراق را در دهه آینده مبهم می‌نماید، اگرچه برخی مؤلفه‌های دموکراسی مبتنی بر اجماع احتمال نیل به آن را ممکن می‌سازد. ۵۵ درصد نخبگان انتخابات را آزاد و رقابتی ارزیابی نکرده‌اند و این نشان می‌دهد که این مؤلفه مبتنی بر دموکراسی اجماع در تحولات عینی عراق به سطح مطلوب نرسیده است. محاسبه میانگین درجه عدم قطعیت درباره مؤلفه‌های دموکراسی مبتنی بر اجماع (شامل انتخابات آزاد و مشارکت سیاسی، تعامل فراگیر و مستمر بین سه ائتلاف، نظام سهمیه بندی، وتوی متقابل ائتلاف‌ها، نگاه دموکراتیک شخصیت‌ها، و...) نزد نخبگان شرکت‌کننده در پنل عدد ۹۳ و ۶۰ درصد بدست آمده است. در مقابل میانگین درجه اهمیت و میانگین درصد اهمیت به ترتیب حدود عدد ۱۰۴ و ۷۰ درصد بدست آمده است که این فاصله نزدیک درجه و درصد عدم قطعیت با درجه و درصد اهمیت نشان می‌دهد دموکراسی مبتنی بر اجماع نزد گروه‌ها و جریان‌های عراقی مطلوبتر است ولی رای قاطعی برای حاکمیت این نوع دموکراسی در دهه آینده نیست ولی امکان وقوع دارد.

سناریوی استمرار کم شدت بی ثباتی سیاسی (سناریوی محتمل)

سناریوی محتمل سناریویی است که امکان وقوع بیشتری دارد و بر پایه دانش و درک انسان پذیرفتنی تر هستند. آیین‌هایی که احتمال بیشتری برای تحقق دارند و حتی ادامه روند کنونی تلقی می‌شوند (محمدی لری، ۱۳۹۳: ۷۶). باورپذیری این نوع سناریو برای آینده بیشتر است. براساس نظرات پنل نخبگان تحقیق حاضر که ناظر بر شناخت و دانش نخبگان از روندها و شرایط سیاسی گذشته و حاضر کشور عراق است، آینده ثبات سیاسی در عراق با اندکی بهبودی نسبی، استمرار و ادامه وضعیت نسبتاً کم ثبات فعلی خواهد بود. یکی از مهمترین علل احتمال استمرار بی ثباتی در دهه آینده عراق عدم قطعیتی است که در مورد برخی شاخص‌های ثبات سیاسی از سوی نخبگان ابراز شده است و همینطور احتمال ۵۰ درصدی بازگشت گروه‌های سلفی تکفیری و تعامل ضعیف تر بین سه گروه بزرگ شیعه، سنی و کرد است که از

نظر نخبگان و کارشناسان شرکت کننده در پنل طبق جدول شماره ۳ ابراز شده است. اگرچه انتخابات پارلمانی منظم برگزار می شود ولی تا زمانیکه نتیجه انتخابات پذیرفته می شود و مقامات طبق نظام سهمیه بندی تعیین می شوند، شاهد تنش ها و بحرانهای زمانبری در عراق هستیم که بر روند ثبات سیاسی لطمه می زند. سیطره فرهنگ قبیله ای و عشیره ای که در سطوح زندگی روز مره و مردم عادی در اکثر مناطق عراق حاکم است خود چنانکه ۷۰ درصد نخبگان پنل نیز تایید کرده اند، عاملی دیگر در بی ثباتی و کم رنگ شدن دموکراسی اجماعی است. به عبارت دیگر اگر فرهنگ مدنیت در لایه نازک نخبگان عراقی در حال گسترش و البته سرایت به سطوح پایین تر است اما فرهنگ بدویت در گستره وسیع سطوح مختلف جامعه هنوز سیطره دارد و چنانچه تعارض و نزاعی پیش آید فرهنگ مدنیت توانی برای حل بحران ندارد. در روند حل منازعه یا تشدید منازعه و همینطور در فرایند برگزاری انتخابات، سران قبایل و عشایر عراقی نقش بسیار پر رنگی ایفا می کنند. در رابطه با وجود بحرانهای سیاسی ۹۵ درصد نخبگان و کارشناسان پنل با با درجه اهمیت ۱۵۶ نظر داده اند که: وجود بحرانهای کارآمدی، هویت و مشروعیت و اختلافات درون گروهی چشم انداز ثبات سیاسی در عراق را در ابهام فرو برده است.

دلیل دیگر که می تواند ثبات را در دهه آینده به مخاطره بیندازد مداخله و نقش قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای است که از نظر ۸۰ درصد نخبگان شرکت کننده در پنل در بی ثباتی عراق دخالت دارند. ضعف مؤلفه های ثبات سیاسی، حاکمیت فرهنگ بدوی و عشیره ای و مداخله قدرتهای مجاور و فرامنطقه ای در بی ثباتی عراق بسیار بعید است که در دوره کوتاه یک دهه آینده به تحکیم ثبات سیاسی، سیطره فرهنگ مدنیت و اقتدار سیاسی عراق بیانجامد.

جدول شماره ۷ مؤلفه های عدم قطعیت نسبت به بی ثباتی سیاسی در عراق

عدم قطعیت ها	درجه عدم قطعیت	درصد عدم قطعیت	تعداد (فراوانی)
اصل کارآمدی دولت، اصل قانونمندی، اصل مشارکت و انتخابات آزاد، اصل جابجایی و گردش نخبگان و شایسته سالاری	۹۸ (میانگین شاخص ها)	۶۵٪ (میانگین درصد ها)	۱۳ (میانگین فراوانی ها)
احتمال بازگشت و سیطره گروههای تکفیری و سلفی در	۷۲	۵۰٪	۱۰

عراق بعد از شکست داعش			
چگونگی تعامل بین سه ائتلاف بزرگ «شیعه، سنی و کرد»	۹۹	%۶۵	۱۳

جدول شماره ۸ دلایلی که شاخص اقتدار دولت را در سالهای پس از داعش ارتقاء نسبی داده است.

شکست داعش و چگونگی کنترل دولت مرکزی عراق بر نیروهای شبه نظامی	۸۲	%۶۰	۱۲	۴۸	%۴۰	۸
عوامل موثر بر افزایش اقتدار دولت مرکزی: شکست داعش، خروج نیروهای آمریکا از عراق، شکست همه پرسی استقلال کردستان	۹۱	%۷۰	۱۴	۴۸	%۳۰	۶
سیاست خارجی نسبتاً متوازن دولت الکاظمی در قبال ایران، عربستان، ترکیه و آمریکا و تقویت جایگاه منطقه ای و بین المللی عراق (کنفرانس بغداد).	۱۲۴	%۹۰	۱۸	۲۳	%۱۰	۲
تاثیر هویت ملی عراق با محوریت ناسیونالیسم ملی در آینده سیاسی عراق و در روابط با قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای را بر محور سازوکارهای حقوقی بین المللی و استقلال سیاسی در دهه آینده	۱۰۵	%۶۰	۱۲	۵۴	%۴۰	۸

از نظر نخبگان و کارشناسان پند چنانکه در جدول آمده است، اقتدار دولت به عنوان گامی در جهت ارتقاء ثبات سیاسی در دهه آینده نسبت به قبل از داعش کمی بهبود یافته است اما به نقطه مطلوب (دموکراسی مبتنی بر اجماع) نمی رسد. فعالیت تروریستی القاعده و داعش در چهار سال اخیر بشدت فروکش کرده است، نیروهای نظامی ایالات متحده عراق را ترک کرده اند و استقلال خواهی کردستان شکست خورده و چشم اندازی برای تکرار استقلال خواهی

مجدد نمایان نیست، سیاست متوازن عراق در حوزه سیاست خارجی، حرکت کند هویت ملی عراق بسوی ارزشهای ملی و استمرار ائتلاف سه جمعیت بزرگ و حرکت هرچند بطئی آنها بسوی همگرایی از دلایل دیگری است که می تواند ثبات سیاسی را از آنچه هست فراتر ببرد اما بواسطه پایین بودن شاخص های اصلی ثبات سیاسی و حاکمیت فرهنگ بدوی و عشیره ای به نظر می رسد دهه آینده روند فعلی با شدت کمتر بی ثباتی محتمل است.

۴-۷- گام هفتم: ارزیابی موضوع اصلی

موضوع و هدف اصلی تحقیق سنجش امکان نیل به ثبات سیاسی در دهه ۲۰۲۰-۲۰۳۰ در عراق است. نظر به دیدگاه مثبت سه اقلیت بزرگ جمعیتی عراق و همه کشورهای موثر منطقه ای و فرامنطقه ای در حمایت از ثبات سیاسی در عراق و موفقیت های نسبی دولت مرکزی عراق در قوام بخشیدن به یک نظام دموکراسی اجماعی نیل به این هدف (ثبات سیاسی) به عنوان یک سناریوی مطلوب که در درازمدت (فراتر از دهه آینده) امکان وقوع آن وجود دارد اما در دهه آینده محتمل نیست. در مقابل سناریوهای تجزیه و نظام فدرالی (که نزد اقلیتهای قومی و مذهبی و دولتهای درگیر در مسائل عراق مخالفان جدی و دشواری های عدیده ای دارند) طبق نظر نخبگان در دهه آینده عراق امکان تحقق ضعیفی دارند. اما مطابق نظر نخبگان، سناریوی استمرار کم شدت بی ثباتی سیاسی به عنوان محتمل ترین سناریو از قدرت و قوت بالایی در دهه آینده عراق برخوردار است. شاخص های ثبات سیاسی (کارامدی، انتخابات آزاد و مشارکت سیاسی، اصل قانونمندی، گردش نخبگان و شایسته سالاری) هنوز در عراق تحکیم نشده است (عدم قطعیت نظر نخبگان) و راه درازی برای نیل به این مهم در پیش دارند، تعامل و همگرایی ائتلاف سه جریان سیاسی شیعه، سنی و کرد بنا به نظر نخبگان ضعیف است، فرهنگ بدویت و طایفه ای-عشیره ای در بطن اجتماعی عراق بنا بر نظر نخبگان پندل نقش مهمی ایفا می کند و حتی پنجاه درصد نخبگان احتمال بازگشت گروههای تروریستی را ممکن دانسته اند. از دیگر سو موفقیت نسبی دولت در کنترل بر نیروهای شبه نظامی، سیاست خارجی متوازن دولت، کاهش تنشها بعد از شکست داعش و حمایت قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای از عراق واحد-طبق نظر نخبگان- خود از دلایلی است که از شدت بی ثباتی در دهه آینده خواهد کاست. بنابراین سناریوی استمرار وضعیت فعلی با کاهش نسبی بی ثباتی محتمل ترین سناریوی دهه آینده عراق-۲۰۲۰-۲۰۳۰- خواهد بود.

۴-۸- گام هشتم: تعیین شاخص های راهنما (پایش مسیرهای آینده)

با توجه به تاثیر تحولات محیطی و عدم قطعیت ها در نیل به ثبات سیاسی، حرکت بر مدار شاخص های ذیل می تواند جهت گیری در مسیر منتهی به هدف-ثبات سیاسی- را تسهیل بخشد:

- صیانت از قانون اساسی عراق و تلاش جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های دموکراتیک آن به عنوان نقشه راه توسط پیش‌رانهای داخلی و تلاش دولت برای ارتقاء فرهنگ سیاسی عراق حول محور حقوق شهروندی و هویت ملی عراق.
- تاکید بر رویکرد گفتگو محور و مذاکره سیاسی در حل اختلافات سیاسی بین جریان‌های سیاسی عراق بویژه حل مساله کرکوک و تقویت جایگاه و اقتدار دولت مرکزی از سوی پیش‌رانهای داخلی.
- استمرار سیاست خارجی متوازن عراق در روابط با قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای و قوام بخشیدن به جایگاه منطقه ای عراق و بازیابی نقش بازیگر فعال در تحولات منطقه ای و بین‌المللی از سوی دولت مرکزی.
- احترام به حقوق سیاسی اجتماعی اقلیتهای قومی و مذهبی و صیانت از آنها و دور نگه داشتن نظامیان از حوزه سیاست.
- بهره‌مندی از نفوذ شخصیت‌های با منزلت اجتماعی فراگیر و مشروع، مرجعیت شیعه (آیت‌الله سیستانی) و اعظام سنی و کرد، در حل و فصل مسائل داخلی و خارجی.
- اهتمام دولت مرکزی به کارآمدی، شایسته‌گزینی و گردش نخبگان، پاسخگویی به نیازهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ملت عراق و مسئولیت‌پذیری در راستای نیل به ثبات سیاسی.

نتیجه‌گیری

بر مبنای نظرات استخراج شده از پنل نخبگان و کارشناسان ایرانی-عراقی که در دو دور پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت، تحولات اثرگذار محیطی، پیش‌رانهای داخلی و خارجی، عدم قطعیتها، درجه اهمیت ها، منطق سناریوها و بلاخره معرفی سناریوها انجام گرفت. با تکیه بر درجه اهمیت و درجه عدم قطعیتها و مواضع پیش‌رانها و تحولات سیاسی عراق که از نظرات نخبگان استخراج شد، نحوه شکل‌گیری سناریوهای محتمل آینده سیاسی عراق مورد ارزیابی قرار گرفت و چهار سناریوی: تجزیه عراق، تشکیل نظام فدرالی، سناریوی ثبات سیاسی و دموکراسی اجتماعی و سناریوی استمرار کم‌شدت بی‌ثباتی، شناسایی شد. بر این اساس سناریوی تجزیه بشدت مورد مخالفت شیعیان و اهل سنت است، کردها نیز پس از شکست برنامه همه‌پرسی استقلال خواهی موافقتی با تجزیه عراق ندارند، قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای به اجماع بواسطه ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی با تجزیه عراق مخالفند. در مورد نظام فدرالی نیز شیعیان بواسطه اکثریت جمعیتی خود نظام دموکراتیک اجتماعی را ترجیح می‌دهند و تأکیدی بر فدرالیسم ندارند. اهل سنت بواسطه محدودیتهای ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک

با آن مخالفند. کردها بواسطه خودمختاری که از آن برخوردارند و جایگاهی که در دولت مرکزی عراق دارند، در شرایط کنونی، همکاری با دولت مرکزی را ترجیح می دهند. سناریوی با دموکراسی اجماعی سناریویی است که قانون اساسی و تمام گروهها و جریانات سیاسی داخلی عراق و تقریباً اکثریت قاطع کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای بر آن تاکید دارند اما الزامات تحکیم آن در یک دهه آینده بعید است فراهم شود، بنابراین به عنوان یک سناریوی مطلوب مورد تایید اکثر نخبگان و کارشناسان و نتایج حاصل از منابع مکتوب است، امکان وقوع دارد اما در دهه آینده محتمل نیست. سناریوی استمرار کم شدت بی ثباتی به دلیل عدم قطعیت شاخص های ثبات سیاسی نزد نخبگان پزل، تعامل و همگرایی ضعیف ائتلاف سه جریان سیاسی شیعه، سنی و کرد، سیطره فرهنگ بدویت و طایفه ای-عشیره ای در بطن اجتماعی عراق و تشکیک در ریشه کن شدن گروههای تروریستی در دهه آینده محتمل تر از بقیه است. از دیگر سو موفقیت نسبی دولت در افزایش نترل بر نیروهای شبه نظامی، سیاست خارجی متوازن، کاهش تنشها بعد از شکست داعش و حمایت قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای از عراق واحد -طبق نظر نخبگان- خود از دلایلی است که از شدت بی ثباتی در دهه آینده خواهد کاست. بنابراین سناریوی استمرار وضعیت فعلی با کاهش نسبی بی ثباتی محتمل ترین سناریوی دهه آینده عراق-۲۰۲۰-۲۰۳۰- خواهد بود.

کتابنامه:

- اسدی، علی اکبر، راستگو، محمدزمان (۱۳۹۸) آینده نظام سیاسی عراق: پیشرانها و سناریوهای پیش رو، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۲، پیاپی، ۳۰، تابستان ۱۳۹۸
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۸). «بررسی سناریوی تجزیه عراق از منظر متغیرهای داخلی». اندیشکده راهبردی تبیین فصلنامه تحقیات سیاسی بین‌المللی شماره ۱۸.
- باقری، حسین (۱۳۹۲) بازیگران داخلی در ساختار سیاسی عراق نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم، تابستان ۱۳۹۲
- بل، نل (۱۳۹۲) مبانی آینده پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی، محسن محقق، تهران، مؤسسه آموزشی تحقیقات صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری های دفاعی
- پورفرد، مس پیشگاهی فرد، زهرا، کریمی، حسن (۱۳۹۷) بررسی پیامدهای منطقه ای همه پرسی در کردستان عراق، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۴، زمستان، ۱۳۹۷
- تاج آبادی، حسین، دهنوی، مهدی (۱۳۹۳) فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران، فرصت ها و چالش ها، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۳
- جاودانی مقدم، مهدی، برجویی فرد (۱۳۹۴) آینده اسرائیل، بقاء یا فروپاشی، در چهارچوب نظریه آینده پژوهی پیتر شوارتز با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، پژوهش های سیاست اسلامی، سال سوم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- خسروی، ملک تاج، خسبانی یزدانی، احسان (۱۳۹۸) فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۸
- زارعان، احمد، مدنی، سعید، تاج الدین محمدباقر، (۱۳۹۷) آسیب پذیری های امنیتی عراق در حوزه سیاسی اجتماعی، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۷
- شوارتز، پیتر (۱۳۸۶) هنر دورنگری: برنامه ریزی برای آینده در دنیای عدم قطعیت، برگردان و تدوین: عزیز علیزاده، عبدالحمید کرامت زاده، تهران مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی عزتی، عزت ا... (۱۳۸۱) تحلیلی برژئوپلیتیک ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی امور خارجه، تهران
- قاسمی، فرج الله (۱۳۸۸) مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال، باتاکید بر اندیشه آیت الله سیستانی، علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، بهار ۸۸
- محمدی لر، عبدالمحمود (۱۳۹۳) آینده پژوهی ثبات سیاسی در ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۴). «باریخ‌شناسی سیاسی (ریخت‌شناسی و آینده سیاست)». تهران: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه.

منتظران، جاوید، قربانی، سعید (۱۳۹۵) آینده پژوهی امنیت جمهوری اسلامی ایران در بستر تحولات ژئوپلیتیکی تمامیت ارضی و بحران داخلی عراق، فصلنامه دفاعی، شماره پیاپی ۹۷، زمستان ۹۵

مهتدی، محمدعلی (۱۳۸۴)، عراق به کجا می رود؟، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۹
 نجفی، فیروز، مسعود نیا، حسین، امام جمعه زاده، سیدجواد، نساج، حمید، (۱۳۹۵) فدرالیسم و مثلث قدرت (شیعیان، کردها و سنی ها) در ساختار سیاسی عراق نوین، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵
 نظری، علی اشرف، محروق، فاطمه، خوشکار، امیر عباس (۱۳۹۴) ارزیابی میزان کاربست روش سناریونویسی در پژوهش های روابط بین الملل در ایران، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، سال ششم، شماره ۳۹، پاییز
 نیکفر، جاسب، زمانی دادانه، ساسان، شفیع سیف آبادی (۱۳۹۷) تاثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر ناکامی استقلال کردستان عراق، فصلنامه پژوهشهای جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

Mansour, R and Faleh A. Jabar (2017) The Popular Mobilization Forces and Iraq Future, Carnegie Middleeast Center
<https://www.irna.ir/news/82781639>
<https://www.irna.ir/news/84452207>
<https://www.cmess.ir/Page/View/2021-05-31/4786>